اسم کتاب صحیفه سجادیه (مترجم)

مصنف

مؤلف

خطی متن بخط نسخ و ترجمه نستعلیق ... سطر (۱۰ سطر متن و ... سطر ترجمه)

چاپی

سال چاپ یا تحریر بخط ... عدد اوراق ۲۲۳

جزء کتب ادعیه شماره خصوصی

شماره عمومی

شماره قبض

واقف آقای سید عبدالرسول طباطبائی نجفی یزد تاریخ وقف ۱۵/۱۰/۶۶

طول ۱۸ عرض ۱۰ شماره صفحات

۴۴۸

۳۲۳

[illegible]

در [illegible] کتاب [illegible] در [illegible] ۱۲۵۱

۱۹ [illegible]

[illegible] القمی الرازی

از [illegible] حافظه این بنده نواب
میرزا ابوالقاسم صدری کردی
تاریخ نخستین [illegible]
[illegible] ۱۹ [illegible] ۱۳٤٠
[illegible]

میر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السّلام
میر المؤمنین علی پسر ابی طالب بر وی درود
فی شهر ربیع الاول من سنة ست عشر وخمسمائة
در ماه ربیع الاول از سال پانصد و شانزده
قرائة علیه وانا اسمع قال سمعتها علی الشیخ
در حالی که میخواندند براو و من میشنیدم گفت آن شیخ که شنیدم این
الصدوق ابی منصور محمد بن محمد بن احمد
بسیار راست گو ابی منصور محمد پسر محمد پسر احمد
ابن عبد العزیز العکبری المعدل
پسر عبد العزیز عکبری معدل
رحمه الله عن ابی المفضل محمد بن عبد الله
بیامرزد او را خدا از ابی المفضل محمد پسر عبد الله
ابن المطلب الشیبانی قال حدثنا الشریف
پسر مطلب شیبانی گفت ابو المفضل که روایت کرد مارا شریف
ابو عبد الله جعفر بن محمد بن جعفر بن
ابو عبد الله جعفر پسر محمد پسر جعفر پسر
الحسن ابن جعفر ابن الحسن ابن الحسن
حسن پسر جعفر پسر حسن پسر حسن
ابن امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیهم السّلام
پسر امیر المؤمنین علی پسر ابی طالب علیهم السلام

در ماه ربیع الاول از سال پانصد و شانزده
بخواندند براو و من میشنیدم در حالی که
علم و معرفت

قال حدثنا عبد الله ابن عمر ابن خطاب
گفت آن شریف که روایت کرد ما را عبد الله پسر عمر پسر خطاب
الزیات سنة خمس وستین ومائتین قال
روغن زیت فروش در سال دویست و شصت و پنج گفت آن عبد الله
حدثنی خالی علی ابن النعمان الاعلم قال
که روایت کرد مرا خال او علی پسر نعمان ... گفت
حدثنی عمیر ابن متوکل الثقفی البلخی
که روایت کرد مرا عمیر پسر متوکل ثقفی بلخی
عن ابیه متوکل ابن هرون قال لقیت
از پدرش متوکل پسر هرون گفت متوکل که ملاقات
یحیی ابن زید ابن علی علیه السلام بعد
یحیی پسر زید پسر علی ... بعد از
قتل ابیه وهو متوجه الی خراسان فسلمت
قتل پدرش و حال آنکه او رو داشت بسوی خراسان پس سلام کردم
علیه فقال لی من این اقبلت قلت من
بر او پس گفت مرا از کجا می آیی گفتم از
الحج فسالنی عن اهله وبنی عمه بالمدینة
حج پس سؤال کرد مرا از اهل خود و پسران عمش که در مدینه بودند
واحفی السؤال عن جعفر بن محمد علیهما السلام
و مبالغه کرد در سؤال از حال جعفر پسر محمد ...

فاخبرته بخبره وخبرهم وحزنهم علی
پس خبر دادم اورا بخبر الحضرت وخبر ایشان واندوه ایشان بر
ابیه زید بن علی علیه السلام فقال لی قد کان
پدر یحیی زید پسر علی علیه السلام پس گفت مرا بتحقیق بود
عمی محمد بن علی اشار علی ابی بترك الخروج
عم من محمد پسر علی که اشاره کرد بر پدر من بترک خروج
وعرّفه ان هو خرج وفارق المدینة ما یکون
و شناسانید اورا که اگر او خروج کند وجدا شود از مدینه چه چیز خواهد بود
الیه مصیر امره فهل لقیت ابن
کر بازگشت حال کار او پس آیا ملاقات کردی پسر
عمی جعفر بن محمد علیه السلام قلت
عم مرا جعفر پسر محمد را علیه السلام گفتم
نعم قال فهل سمعته یذکر شیئا من
آری گفت پس آیا شنیدی از او که ذکر میکرد چیزی را از
امری قلت نعم قال بم ذکرنی خبرنی
حال من گفتم آری گفت بچه یاد کرد مرا خبر ده مرا
قلت جعلت فداك ما احب ان استقبلك
گفتم بگردم فدای تو دوست نمیدارم که بگویم برروی تو
بما سمعته منه فقال ابالموت تخوفنی هات
آنچه شنیدم از او پس گفت آیا بمرگ میترسانی مرا بیاور

البا قر عم

ها سمعته فقلت سمعته يقول انك تقتل

آنچه شنیده پس گفتم شنیدم حضرت را که میگفت بدرستی که تو کشته میشوی

وتصلب كما قتل ابوك وصلب فتغير وجهه

و بردار کشیده میشوی چنانچه کشته شد پدر تو و بردار کشیده شد پس متغیر شد رو او

وقال يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده ام

و گفت محو میکند خدا آنچه میخواهد و ثابت میسازد و نزد اوست اصل

الكتاب يا متوكل ان الله عز وجل

کتاب یا متوکل بدرستی که خدا عز و جل

ايد هذا الامر بنا وجعل لنا العلم والسيف

تقویت کرده است این را بما و گردانیده است برای ما علم و شمشیر را

فجمعهما لنا وخص بنو عمنا بالعلم وحده

پس جمع کرد و برای ما و مخصوص شده اند پسران عم ما بعلم تنها

فقلت جعلت فداك اني رايت الناس

پس گفتم بگردم فدای تو بدرستی که من دیدم مردم را

الى ابن عمك جعفر عليه السلام اميل منهم

بسوی پسر عم تو جعفر بر او باد درود مایل تر از ایشان

اليك والى ابيك فقال ان عمي محمد بن

بسوی تو و بسوی پدر تو پس گفت بدرستی که عم من محمد پسر

علي وابنه جعفرا عليهما السلام دعوا الناس

علی و پسر او جعفر بر ایشان دو باد درود خواندند مردم

۳

الى الحيوة ونحن دعوناهم الى الموت فقلت

بسوی زندگی و ما خواندیم ایشانرا بموت پس گفتم

یا ابن رسول الله اهم اعلم ام انتم فاطرق الى

ای پسر رسول خدا آیا ایشان داناترند یا شما پس افکند چشمها را

الارض مليا ثم رفع راسه وقال كلنا له

بر زمین زمانی دراز پس برآورد سرش را و گفت همه ما را

علم غير انهم يعلمون كل ما نعلم ولا نعلم كل ما

علم است مگر آنکه ایشان میدانند همه آنچه ما میدانیم و نمیدانیم ما همه آنچه

يعلمون ثم قال لي اكتبت من ابن عمي شيئا

ایشان میدانند پس گفت مرا آیا نوشتی تو از پسر عم من چیزی را

قلت نعم قال ارنيه فاخرجت اليه وجوها

گفتم آری گفت بنما بمن آنرا پس بیرون آوردم بسوی او نوعی چند

من العلم واخرجت له دعاء املاه علي ابو

از علم و بیرون آوردم از برای او دعائی را که املا کرده بود

عبد الله عليه السلام وحدثني ان اباه

آنرا بر من ابو عبدالله بر او باد درود و گفت بمن مرا پدرش که پدر بزرگوارش

محمد بن علي عليهما السلام املاه عليه

محمد پسر علی بر آن دو باد درود املا کرده بود بر او این دعا را

واخبره انه كان من دعاء ابيه علي بن الحسين

و خبر داده بود او را که این از دعاء پدر بزرگوارش علی پسر حسین

مراد اینست که ایشان خروج میکنند و جنگ میکنند و ما نمیکنیم و راحت و راست لهذا دولت ایشان مایل ترند

نسخه صحیفه که جناب حضرت امام جعفر علیه السلام بیحیی نوشته

عليهما السلام من دعاء الصحيفة الكاملة

براىشان باد درود از جملهٔ دعاهاى صحيفه كامله

فنظر فيه يحيى حتى اتى على آخره وقال لى

پس نگاه كرد در او يحيى تا اينكه رسيد بآخر و گفت مرا

اتاذن لى فى نسخه فقلت يا ابن رسول الله

آيا رخصت ميدهى مرا در نوشتن اين دعا پس گفتم اى پسر رسول خدا

اتستاذن فيما هو عنكم فقال اما لاخرجن

آيا رخصت ميطلبى در آنچه آن از شما است پس گفتم كه آگاه باش كه بر

اليك صحيفة من الدعاء الكامل مما [حفظه]

آينه بيرون مى آورم بسوى تو صحيفه از دعا كامل آنچه حفظ كرده بود آنرا

ابى عن ابيه وان ابى عن ابيه وانّ ابى

پدر من از پدرش و بدرستى كه پدرم

اوصانى بصونها ومنعها عن غير اهلها

وصيت كرد مرا بنگاه داشتن آن و باز داشتن آن از غير اهل آن

قال عمير قال ابى فقمت اليه فقبلت راسه

گفت عمير كه گفت پدرم متوكل كه برخواستم بسوى يحيى پس بوسيدم سر او را

وقلت له والله يا ابن رسول الله انى لادين

و گفتم مر او را بخدا قسم اى پسر رسول خدا بدرستى كه هر آينه

الله بحبكم وطاعتكم وانى لارجو ان

پرستش ميكنم خدا را بدوستى شما و فرمان بردارى شما و بدرستى كه هر آينه اميد ميدارم

همانا كه لي[ـن] دعا در صحيفه بنحو است

يعنى حضرت عالية … عليهما السلام

لسعد انام

٤٧

يسعدنى الله فى حيوتى و مماتى بولايتكم فرمى

که نیکبخت گرداند مرا در زندگی من و مرگ من بدوستی شما پس انداخت

صحيفتى التى دفعتها اليه الى غلام كان

دعای مرا که داده بودم من باو بسوی پسری که بود

معه وقال اكتب هذا الدعاء بخط بيّن

باو و گفت بنویس این دعا را بخط ظاهر

حسن. واعرضه علىّ لعلّى احفظه فانّى

خوب و عرض کن اورا بر من شاید که من حفظ کنم اورا پس بدرستی

كنت اطلبه من جعفر حفظه الله فيمنعنيه

که من بودم که میطلبیدم این دعا را از امام جعفر نگاه دارد اورا خدا پس منع میکرد

قال متوكل فندمت على ما فعلت ولم ادره

گفت متوکل پشیمان شدم بر آنچه کرده بودم و ندانستم

ما اصنع ولم يكن ابو عبد الله عليه السلام

که چه کنم و نبود اینکه حضرت ابو عبد الله براو بیاید در حص

تقدّم الىّ الّا ادفعه الى احد ثمّ دعا بِعَيْبَتِهِ

پیشتر بمن گفته بود که ندهم این دعا بکسی پس بعد طلب کرد

بِعَيْبَتِهِ فَاسْتَخْرَجَ مِنْهَا صَحِيفَةً مُقَفَّلَةً

جامهدان را پس بیرون آورد از آن صحیفه مقفله

مَخْتُومَةً فَنَظَرَ اِلَى الْخَاتَمِ وَقَبَّلَهُ وَبَكَى

مهر کرده پس نگاه کرد بسوی آن مهر و بوسید اورا و گریست

يعنى از زدن دعا بيحيى

ثمّ فضّه وفتح القفل ثمّ نشر الصحيفة ووضعها

پس شکست مهر را وگشود قفل را پس صحیفه را وگذاشت آنرا

على عينيه وامرّها على وجهه وقال والله

بر چشم خود ومالید آنرا بر روی خود وگفت بخدا قسم

يا متوكل لولا ما ذكرت من قول ابن عمّي

ای متوکل که اگر نبود آنچه ذکر کردی تو از گفته پسر عم من

انّني اقتل واصلب لما دفعتها اليك ولكنت

بدرستی که من کشته میشوم و بردار کشیده میشوم هرآینه نمیدادم صحیفه را بتو

بها ضنينا ولكنّي اعلم انّ قوله حقّ اخذه

و هرآینه میبودم بدادن این صحیفه بخیل ولکن من میدانم که گفته او حق است

عن ابائه وانّه سيصحّ فخفت ان يقع مثل

فرا گرفته آنرا از پدران خود و بدرستی که بزودی واقع شود پس ترسیدم

هذا العلم الى بني اميّة فيكتموه ويدّخروه

که بیفتد مانند این علم بدست بنی امیه پس پنهان کنند آنرا و ذخیره سازند آنرا

في خزائنهم لانفسهم فاقبضها واكفنيها وتربّص

در خزانهای خود از برای خود پس بگیر این را و کفایت کن از برای من

بها فاذا قضى الله من امري وامر هؤلاء

و منتظر باش آنرا پس هرگاه حکم کند از کار من و کار این قوم

القوم ما هو قاض فهي امانة لي عندك

آنچه را او حکم کننده است پس این صحیفه امانتیست از من نزد تو

حتى توصلها

حتى توصلها الى ابني عمي محمد وابراهيم ابني
عبد الله ابن الحسن بن الحسن بن علي
عليهما السلام فانهما القائمان في هذا
الامر بعدي قال المتوكل فقبضت الصحيفة
فلما قتل يحيى بن زيد صرت الى المدينة فلقيت
ابا عبد الله عليه السلام فحدثته الحديث
عن يحيى فبكى واشتد وجده به وقال
رحم الله ابن عمي والحقه بآبائه واجداده
عليهم السلام والله يا متوكل ما منعني من دفع
الدعاء اليه الا الذي خافه على صحيفة ابيه فقلت

وأين الصحيفة

ها هي ففتحها وقال هذا والله خط عمي

زيد ودعاء جدي علي ابن الحسين عليهما

السلام ثم قال لابنه قم يا اسمعيل

فأتني بالدعاء الذي امرتك بحفظه وصونه

فقام اسمعيل فأخرج صحيفة كأنها

الصحيفة التي دفعها الي يحيى بن زيد

که داده بود آنرا بسوی من یحیی پسر زید

فقبلها ابو عبد الله ووضعها على عينه

وقال هذا خط ابي واملاء جدي عليهما

السلام بمشهد مني فقلت يا ابن رسول الله

ان رايت ان اعرضها مع صحيفة زيد

ويحيى

فأذن لي في ذلك وقال قد رأيتك
لذلك اهلا فنظرت واذا هما امر واحد
ولم اجد حرفا واحدا منها يخالف ما
في الصحيفة الاخرى ثم استاذنت ابا عبد الله
عليه السلام في دفع الصحيفة الى ابني عبد الله بن
[illegible]
الحسن فقال ان الله يامركم ان تؤدوا الامانات
الى اهلها نعم فادفعهما اليهما فلما نهضت
للقائهما قال لي مكانك ثم وجه الى محمد
وابراهيم فجاءا فقال هذا ميراث
ابن عمكما يحيى من ابيه قد خصكما به

دون اخوته ونحن مشترطون عليكما فيه

شرطا فقالا رحمك الله قل فقولك

المقبول فقال الا تخرجا بهذه الصحيفة

من المدينة قالا ولم ذاك قال ان ابن

عمكما خاف عليها امرا اخافه انا عليكما ٥

قالا انما اشفق عليها حين علم انه يقتل

فقال ابو عبد الله وانتما فلا تامنا ٥

فوالله انى لاعلم انكما ستخرجان كما

خرج وستقتلان كما قتل فقاما وهما

يقولان لا حول ولا قوة الا بالله العلى

ز دولت [illegible]
که مبادا صحیفه بدست بنی
امیه افتد من بزار
میترسم ٥

العظيم

العظيم فلما خرجا قال لى ابو عبدالله عليه السلام

يا متوكل كيف قال لك يحيى ان عمى

محمد بن على وابنه جعفرا دعوا الناس

الى الحيوة ونحن دعوناهم الى الموت

قلت نعم اصلحك الله قد قال لى ابن عمك

يحيى ذلك فقال يرحم الله يحيى ان

ابى حدثنى عن ابيه عن جده عن على

عليه السلام ان رسول الله صلى الله عليه

السلام واله وسلم اخذته نعسة وهو

على منبره فراى فى منامه رجالا ينزون

على منبره نزو القردة يردون الناس على

اعقابهم القهقرى فاستوى رسول الله جالسًا

والحزن يُعرَف في وجهه فاتاه جبرئيل

عليه السلام بهذه الاية وما جعلنا الرؤيا

ايرا ونكردانيديم ما خوابرا

التي اريناك الا فتنة للناس والشجرة الملعونة

في القران ونخوفهم فما يزيدهم الا طغيانا

كبيرا يعني بني امية قال يا جبرئيل على

عهدي يكونون وفي زمني ثم قال

ابو عبد الله ما خرج ولا يخرج منا اهل

البيت الى قيام قائمنا احد ليدفع ظلمًا

قال لا ولكن تدور رحى الإسلام من مهاجرك

فتلبث بذلك عشرا ثم تدور رحى الإسلام

على رأس خمس وثلثين من مهاجرك فتلبث

بذلك خمسا ثم لا بد من رحى ضلالة هي قائمة

على قطبها ثم ملك الفراعنة قال وانزل الله تعالى

في ذلك انا انزلناه في ليلة القدر وما ادريك

ما ليلة القدر ليلة القدر خير من الف شهر تملكها

بنو امية ليس فيها ليلة القدر قال فاطلع الله عز وجل

نبيه عليه السلام ان بني امية تملك سلطان

هذه الامة وملكها طول هذه المدة فلو طاولتهم الجبال

يعنى بعد از ده سال از گردش [illegible] در سال سى و پنجم [illegible]

لبث ده سال ده ساليست كه حضرت رسول صلعم در مدينه بود بعد از هجرت و بعد از لبث ده سال از گردش [illegible] تا سال سى پنجم از هجرت كه ابتداى خلافت ظاهرى امير المؤمنين عليه السلام بعد از زمان ابوبكر و عمر و عثمان كه قريب بيست و پنج سال بود و پنج سال ديگر در گردش خواهد بود كه از زمان خلافت حضرت امير المؤمنين است عليه السلام

ظاهر است كه اين آسيا [illegible] باشد و پادشاهى فرعونان پادشاهى بنى عباس [illegible] است كه پادشاهى فرعونان [illegible] پادشاهى بنى اميه [illegible] كه آسياى ضلالت [illegible] معويه [illegible] پادشاهى فرعونان [illegible] ديگر [illegible] از بنى اميه [illegible] كه بعد از او بود

گردانيد خداى عز و جل

لطالوا عليها حتى ياذن الله تعالى بزوال ملكهم
وهم في ذلك يستشعرون عداوتنا اهل البيت
وبغضنا اخبر الله نبيه بما يلقى اهل بيت محمد
واهل مودتهم وشيعتهم منهم في ايامهم وملكهم
قال وانزل الله تعالى فيهم الم تر الى الذين بدلوا
نعمة الله كفرا واحلوا قومهم دار البوار جهنم يصلونها
وبئس القرار ونعمة الله محمد واهل بيته حبهم
ايمان يدخل الجنة وبغضهم كفر ونفاق
يدخل النار فاسر رسول الله صلى الله
عليه وآله ذلك الى علي عليه السلام واهل بيته

قال ثم قال ابو عبد الله عليه السلام ما خرج ولا يخرج منا اهل البيت الى قيام قائمنا احد ليدفع ظلما

وبنو

او ينعش حقاً الا اصطلمته البلية وكان

قيامه زيادة في مكروهنا وشيعتنا قال

المتوكل ابن هرون ثم املى علي ابو

عبد الله عليه السلام الادعية وهي جملة

وسبعون بابا سقط عني منها احد عشر

بابا وحفظت منها نيفا وستين بابا

وحدثنا ابو المفضل قال وحدثني محمد

ابن الحسن ابن روزبه ابو بكر المدائني

الكاتب نزيل الرحبة في داره قال

حدثني محمد بن مسلم المطهري قال

احمد بن م

حدثني ابي عن عمير بن متوكل البلخي عن
ابيه المتوكل بن هرون قال لقيت
يحيى ابن زيد ابن علي عليهما السلام فذكر
الحديث بتمامه الى رؤيا النبي صلى الله عليه
واله التي ذكرها جعفر بن محمد
عن ابائه صلوات الله عليهم السلام وفي
رواية المطهري ذكر الابواب وهي التحميد
لله عز وجل ٢ الصلوة على مصدق
الرسل ٥ دعاؤه لنفسه وخاصته
٦ دعاؤه عند الصباح والمساء ٧ في المهمات

على محمد واله ٣ الصلوة على حملة العرش ٤ الصلوة على ...

في الاستعاذة

٨ فی الاستعاذة ٩ دعاؤه فی الاشتیاق

١٠ فی اللجا الی الله تعالی ١٢ دعاؤه فی ١١ دعاؤه بخواتم الخیر

الاعتراف ١٣ دعاؤه فی طلب الحوائج وطلب التوبة

١٤ دعاؤه فی الظلامات ١٥ دعاؤه عند

المرض ١٦ دعاؤه فی الاستقالة ١٧ دعاؤه

علی الشیطان ١٨ فی المحذورات ١٩

دعاؤه فی الاستسقاء ٢٠ فی مکارم

الاخلاق ٢١ دعاؤه فی الاستکفاء اذاه

حزنه ٢٢ دعاؤه بالعافیة ٢٣ دعائه عند الشدة

دعاؤه لابویه ٢٤ لولده ٢٥ دعائه

دعاؤه ٢٦ لجيرانه واوليائه ٢٧ لاهل الثغور في

دعاؤه في الفزع ٢٨ دعاؤه اذا قتر عليه

الرزق ٢٩ دعاؤه في قضاء الدين ٣٠

دعاؤه بالتوبة ٣١ دعاؤه

في صلاة الليل ٣٢ دعاؤه في الاستخارة

٣٣ دعاؤه في طلب الستر ٣٤

دعاؤه اذا ابتلي او رأى مبتلى بفضيحة بذنب

دعاؤه في الرضاء بالقضاء ٣٥ دعاؤه

عند سماع الرعد ٣٦ دعاؤه في

دعاؤه في الاعتذار الشكر ٣٧ دعاؤه في طلب

العفو ٣٨ دعاؤه في طلب الستر

والوقاية

والوقاية دعاؤه عند ذكر ٣٩

دعای آنحضرت نزد یاد کردن

الموت دعاؤه عند ختمه ٤٠

القرآن دعاؤه اذا نظر ٤١

الى الهلال دعاؤه لدخول ٤٢

به ماه نو دعای آنحضرت نزد

شهر رمضان دعاؤه ٤٣

لوداع شهر رمضان دعاؤه ٤٤

للعيدين والجمعه دعاؤه ٤٥

فى دفع كيد الاعداء دعاؤه ٤٦

دشمنان

فى يوم عرفة دعاؤه يوم الاضحى ٤٧

والجمعه دعاؤه فى الرهبة ٤٨

٤٩ دعاؤه في التضرع والاستكانة

٥٠ دعاؤه في الالحاح

٥١ دعاؤه في التذلل لله تعالى

٥٢ دعاؤه في استكشاف

٥٣ دعاؤه للضرورة

٥٤ دعاؤه عند اليقظة

وباقي الابواب بلفظ ابي عبد الله الحسني

رحمه الله حدثنا ابو عبد الله جعفر بن

محمد الحسني قال حدثنا عبد الله

ابن عمر ابن خطاب الزيات قال

پسر عمر پسر خطاب روغن فروش

حدثنا

حدثنی خالی علی ابن النعمان الاعلم قال

حدثنی عمر ابن متوکل الثقفی

البلخی عن ابیه متوکل ابن هرون

قال املی علی سید الصادق ابو عبد

الله جعفر ابن محمد قال املی

جدی علی ابن الحسین علی ابن محمد

بن علی علیهم اجمعین الصلوة والسلام

بمشهد منی

وبعد از دعای انحضرت علیه السلام

اینکه ابتدا ابد عامیکرد   ابتدا بتمجید خدای عز وجل میکرد

الحمد لله الاول

بلا أوّلٍ كان قبله والآخر بلا آخرٍ

يكون بعده الّذي قصرت عن رؤيته

أبصار النّاظرين وعجزت عن

نعته أوهام الواصفين ابتدع

بقدرته الخلق ابتداعًا واخترعهم

على مشيّته اختراعًا ثمّ سلك بهم

طريق إرادته وبعثهم في سبيل محبّته

لا يملكون تأخيرًا عمّا قدّمهم

إليه ولا يستطيعون تقدّمًا إلى

ما أخّرهم عنه وجعل لكلّ روحٍ

منهم

مِنهُم قُوتًا مَعلُومًا مَقسُومًا مِن
رِزقِهِ لَا يَنقُصُ مَن زَادَهُ نَاقِصٌ وَلَا
يَزِيدُ مَن نَقَصَ مِنهُم زَائِدٌ ثُمَّ ضَرَبَ
لَهُ فِي الحَيوٰةِ أَجَلًا مَوقُوتًا وَنَصَبَ
لَهُ أَمَدًا مَحدُودًا يَتَخَطَّا إِلَيهِ بِأَيَّامِ
عُمُرِهِ وَيَرهَقُهُ بِأَعوَامِ دَهرِهِ
حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَقصَىٰ أَثَرِهِ وَاستَوعَبَ
حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلَىٰ مَا نَدَبَهُ
إِلَيهِ مِن مَوفُورِ ثَوَابِهِ أَو مَحذُورِهِ
عِقَابِهِ لِيَجزِيَ الَّذِينَ أَسَاؤُا بِمَا عَمِلُوا

وَيَجْزِيَ الَّذِينَ اَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى عَدْلًا مِنْهُ

تَقَدَّسَتْ اَسْمَآؤُهُ وَتَظَاهَرَتْ آلَاؤُهُ

لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ

بالمعنى لیکه هرچه میکند البته خوب است و موافق حکمت پس حاجت بسؤال نیست

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ

حَمْدِهِ عَلَى مَا اَبْلَاهُمْ مِنْ مِنَنِهِ الْمُتَتَابِعَةِ

وَاَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَةِ لَتَصَرَّفُوا

فِي مِنَنِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ

فَلَمْ يَشْكُرُوهُ وَلَوْ كَانُوا كَذٰلِكَ لَخَرَجُوا

مِنْ حُدُودِ الْاِنْسَانِيَّةِ اِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ

فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ اِنْ هُمْ

الا كالانعام

إِلَّا كَالأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ عَلَى مَا عَرَّفَنَا مِنْ نَفْسِهِ وَأَلْهَمَنَا مِنْ
شُكْرِهِ وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ
بِرُبُوبِيَّتِهِ وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الإِخْلَاصِ لَهُ فِي
تَوْحِيدِهِ وَجَنَّبَنَا مِنَ الإِلْحَادِ وَالشَّكِّ
فِي أَمْرِهِ حَمْدًا نُعَمَّرُ بِهِ فِيمَنْ حَمِدَهُ مِنْ
خَلْقِهِ وَنَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَى رِضَاهُ
وَعَفْوِهِ حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ
وَيُسَهِّلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ وَيُشَرِّفُ
بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الأَشْهَادِ يَوْمَ

يجزى كل نفس بما كسبت وهم

لا يظلمون يوم لا يغنى مولى عن مولى شيئا

ولا هم ينصرون حمدا يرفع منا الى

اعلى عليين فى كتاب مرقوم يشهده

المقربون حمدا تقر به عيوننا

اذا برقت الابصار وتبيض به وجوهنا

اذا اسودت الابشار حمدا نزاحم به

ملائكته المقربين ونضام به انبياءه

المرسلين فى دار المقامة التى لا تزول

ومحل كرامته التى لا تحول والحمد لله

واو از بهر خانه اقامت و محل
کرامت بهشت است در اصل کلام
اینست که پس مکینم خدا تعالی را
ستایشی که بسبب آن با
ملائکه مقربین و انبیای مرسلین در
بهشت منضم شویم

الذى

اگر مراد با خصوص ائمه علیهم السلام اطاعت جمیع خلائق ایشان را ظاهر است و اگر مطلق
نوع انسان باشد اطاعت بعضی مخلوقات ظاهر است مانند حیوانات و اطاعت بعضی
دیگر مثل آسمانها و زمینها و ملائکه باعتبار اینست که میرسانند آثار رحمة خدا یتعالی را
بآدمیان پس گویا که از برای ایشان در کار اند یا باعتبار اینست که آدمی قادر است بر تسخیر
جن و کواکب چنانچه بعضی گفته اند و تسخیر ملائکه باعتبار طاعة و عبادت است

الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ وَاَجْرٰى
عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ وَجَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ
بِالْمَلَكَةِ عَلٰى جَمِيعِ الْخَلْقِ فَكُلُّ خَلِيقَةٍ
مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ وَصَائِرَةٌ اِلٰى
طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
اَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ اِلَّا اِلَيْهِ فَكَيْفَ
نُطِيقُ حَمْدَهُ اَمْ مَتٰى نُؤَدِّي شُكْرَهُ
لَا مَتٰى وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي رَكَّبَ فِينَا آلَاتِ
الْبَسْطِ وَجَعَلَ لَنَا اَدَوَاتِ الْقَبْضِ
وَمَتَّعَنَا بِاَرْوَاحِ الْحَيٰوةِ وَاَثْبَتَ فِينَا جَوَارِحَ

الْأَعْمَالِ وَغَذَّانَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ وَأَغْنَانَا

بِفَضْلِهِ وَأَتَانَا بِمِنَّتِهِ ثُمَّ أَمَرَنَا لِيَخْتَبِرَ

طَاعَتَنَا وَنَهَانَا لِيَبْتَلِيَ شُكْرَنَا

فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ وَرَكِبْنَا مُتُونَ

زَجْرِهِ ثُمَّ لَمْ يَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبَتِهِ وَلَمْ يُعَاجِلْنَا

بِنَقِمَتِهِ بَلْ تَأَنَّانَا بِرَحْمَتِهِ تَكَرُّمًا وَانْتَظَرَ

مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ

فَضْلِهِ فَلَوْ لَمْ نَعْتَدِدْ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا

لَقَدْ حَسُنَ بَلَاؤُهُ عِنْدَنَا وَجَلَّ إِحْسَانُهُ

إِلَّا

بعض تکالیف شاقه بر ما نکرده است چنانکه نسبت با امتهای دیگر سابق و در امتهای سابق
چنین بوده است که بمجرد همین که پشیمان شوند از گناه و عزم بر پرهیز داشته باشند که دیگر
آن گناه نکنند خدای تعالی از گناه ایشان نگذرد بلکه تکالیف شاقه بر ایشان
مینموده است مانند اینکه بنی اسرائیل مکلف شده اند که یکدیگر را بکشند تا خدای تعالی از
گناه ایشان بگذرد و دلیل مخصوص بامت پیغمبر صلی الله علیه و آله است

إِلَيْنَا وَجَسَّمَ فَضْلَهُ عَلَيْنَا فَمَا هٰكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ
فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ قَبْلَنَا لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا
مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَلَمْ يُكَلِّفْنَا إِلَّا
وُسْعًا وَلَمْ يُجَشِّمْنَا إِلَّا يُسْرًا وَلَمْ يَدَعْ
لِأَحَدٍ مِنَّا حُجَّةً وَلَا عُذْرًا فَالْهَالِكُ
مِنَّا مَنْ هَلَكَ عَلَيْهِ وَالسَّعِيدُ مِنَّا مَنْ
رَغِبَ إِلَيْهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ
أَدْنَى مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ وَأَكْرَمُ خَلِيقَتِهِ
عَلَيْهِ وَأَرْضَى حَامِدِيهِ لَدَيْهِ حَمْدًا يَفْضُلُ
سَائِرَ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبِّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَى

جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ

عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ ٥

الْأَشْيَاءِ وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا

عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَبَدًا ٥

شماره آنها

سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَمْدًا لَا مُنْتَهَى

لِحَدِّهِ وَلَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ وَلَا مَبْلَغَ

یعنی از اول نداشته باشد

لِغَايَتِهِ وَلَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ حَمْدًا

یعنی نتوان بغایت آن رسید یا غایة آن بجائی نرسیده باشد کنایه از اینکه غایة نداشته باشد چه هرچه غایة دارد غایة او البته بجائی رسیده خواهد بود

يَكُونُ وُصْلَةً إِلَى طَاعَتِهِ

وَعَفْوِهِ وَسَبَبًا إِلَى رِضْوَانِهِ وَذَرِيعَةً

إلى مغفرة

الی مغفرته وطریقا الی جنته وخفیرا

من نقمته وامنا من غضبه وظهیرا

علی طاعته وحاجزا عن معصیته وعونا

علی تادیة حقه ووظائفه حمدا

نسعد به فی السعداء من اولیائه

ونصیر به فی نظم الشهداء بسیوف

اعدائه انه ولی حمید

الصلوة علی رسول الله صلی الله علیه

واله والحمد لله الذی من علینا بمحمد

نَبِيِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأُمَمِ

الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ بِقُدْرَتِهِ

الَّتِي لَا تَعْجِزُ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ وَلَا

يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطُفَ فَخَتَمَ بِنَا عَلَى

جَمِيعِ مَنْ ذَرَأَ وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ

عَلَى مَنْ جَحَدَ وَكَثَّرَنَا بِمَنِّهِ عَلَى مَنْ قَلَّ

اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَى

وَحْيِكَ وَنَجِيبِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَفِيِّكَ

مِنْ عِبَادِكَ إِمَامِ الرَّحْمَةِ وَقَائِدِ الْخَيْرِ

وَمِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ كَمَا نَصَبَ لِأَمْرِكَ نَفْسَهُ

وَعَرَّضَ فِيكَ لِلْمَكْرُوهِ بَدَنَهُ وَكَاشَفَ

فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَامَّتَهُ وَحَارَبَ فِي رِضَاكَ

أُسْرَتَهُ وَقَطَعَ فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ ٥

وَأَقْصَى الْأَدْنَيْنَ عَلَى جُحُودِهِمْ وَقَرَّبَ

الْأَقْصَيْنَ عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ وَوَالَى فِيكَ

الْأَبْعَدِينَ وَعَادَى فِيكَ الْأَقْرَبِينَ وَأَدْأَبَ

نَفْسَهُ فِي تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ وَأَتْعَبَهَا بِالدُّعَاءِ

إِلَى مِلَّتِكَ وَشَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِكَ

وَهَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرْبَةِ وَمَحَلِّ النَّأْيِ

عَنْ مَوْطِنِ رَحْلِهِ وَمَوْضِعِ رِجْلِهِ ٥

وَمَسْقَطِ رَأْسِهِ وَمَأْنَسِ نَفْسِهِ إِرَادَةً مِنْهُ

لِإِعْزَازِ دِينِكَ وَاسْتِنْصَارًا عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ

بِكَ حَتَّى اسْتَتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِي أَعْدَائِكَ

وَاسْتَتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِي أَوْلِيَائِكَ فَنَهَدَ إِلَيْهِمْ

مُسْتَفْتِحًا بِعَوْنِكَ وَمُتَقَوِّيًا عَلَى ضَعْفِهِ

بِنَصْرِكَ فَغَزَاهُمْ فِي عُقْرِ دِيَارِهِمْ

وَهَجَمَ عَلَيْهِمْ فِي بُحْبُوحَةِ قَرَارِهِمْ

حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ وَعَلَتْ كَلِمَتُكَ

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ اللَّهُمَّ ۝

فَارْفَعْهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ

یعنی هجرت در زید بقصد الکرمه
بار ساز دتا هجرت باید برکنار
و نیز جمع اهل مدینه بود اند که
ایشان را انصار گویند یعنی
یاری دهندگان

العليا

الدَّرَجَةِ الْعُلْيا مِنْ جَنَّتِكَ حَتّى لا يُساوى

فى مَنْزِلَةٍ وَلا يُكافى فى مَرْتَبَةٍ وَلا يُوازِيهِ

لَدَيْكَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلا نَبِىٌّ مُرْسَلٌ وَعَرِّفْهُ

فى اَهْلِهِ الطّاهِرينَ وَاُمَّتِهِ الْمُؤْمِنينَ

مِنْ حُسْنِ الشَّفاعَةِ اَجَلَّ ما وَعَدْتَهُ

يا نافِذَ الْعِدَةِ يا وافِىَ الْقَوْلِ يا مُبَدِّلَ

السَّيِّئاتِ بِاَضْعافِها مِنَ الْحَسَناتِ اِنَّكَ

ذُو الْفَضْلِ الْعَظيمِ

اَللّهُمَّ وَحَمَلَةُ عَرْشِكَ الَّذينَ لا يَفْتُرُونَ

تسبیح و تقدیس بمعنی پاک گردانیدن است از عیبها و نقصها است و تسبیح و تقدیس حق تعالی عبارت است از اعتقاد تنزیه که داشتن که ذات او و صفات او و افعال او از عیب و نقص و فتور بری است و همچنین ذکر چیزی کردن که دلالت بر نزاهت و برائت او داشته باشد مثل یا سبوح یا قدوس و مانند آن بلکه ذکر جمیع اسما و صفات الهی دلالت بر [illegible] معنی [illegible] ده صفت دلالت بر نفی بعضی میکند مثلا عالم دلالت بر تنزیه او کند از نقص جهل [illegible] و در این مقام مناسب ذکر است اعتقاد است و ملائکه بهم میرسد

عَنْ تَسْبِيحِكَ وَلَا يَسْأَمُونَ مِنْ تَقْدِيسِكَ

وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ وَلَا

يُؤْثِرُونَ التَّقْصِيرَ عَلَى الْجِدِّ فِي أَمْرِكَ

وَلَا يَغْفُلُونَ عَنِ الْوَلَهِ إِلَيْكَ وَإِسْرَافِيلُ

صَاحِبُ الصُّورِ الشَّاخِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ

مِنْكَ الْإِذْنَ وَحُلُولَ الْأَمْرِ فَيُنَبِّهُ

بِالنَّفْخَةِ صَرْعَى رَهَائِنِ الْقُبُورِ وَمِيكَائِيلُ

ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ فِي الْمَكَانِ الرَّفِيعِ

مِنْ طَاعَتِكَ وَجَبْرَئِيلُ الْأَمِينُ

عَلَى وَحْيِكَ الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَاوَاتِكَ

المكين

یعنی چشم فرو نهاده [illegible] باد در صور و آگاه گردانند

مراد از گرو قبر بودن محبوس در قبر ثابت بودن است و اینجا یا مراد اینست که گرو [illegible] در قبر

یعنی جبرئیل که وحی ترا که با پیغامبر رساند

الْمَكِينُ لَدَيْكَ الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ
وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ
وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ
عَلَيْهِمْ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ
دُونِهِمْ مِنْ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ وَأَهْلِ
الْأَمَانَةِ عَلَى رِسَالَاتِكَ وَالَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ
سَأْمَةٌ مِنْ دُءُوبٍ وَلَا إِعْيَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ
وَلَا فُتُورٌ وَلَا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ
الشَّهَوَاتُ وَلَا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ
سَهْوُ الْغَفَلَاتِ الْخُشَّعُ الْأَبْصَارِ فَلَا

یعنی عبادت ترا گردن که عبادت مشتمل است بر تعظیم تو

يرومون النظر اليك النواكس الاذقان

الذين قد طالت رغبتهم فيما لديك

المستهترون بذكر الائك والمتوا ضعون

دون عظمتك وجلال كبريائك

والذين يقولون اذا نظروا الى جهنم

تزفر على اهل معصيتك سبحانك

ما عبدناك حق عبادتك فصل عليهم

وعلى الروحانيين من ملائكتك

واهل الزلفة عندك وحمال

الغيب الى رسلك والمؤتمنين على وحيك

يعنی وصید بعضو ضاعت که از حضرت جناب مقدس ست چه ذات انهار اجتیده و دانسته اند

طائفه اند از ملائکه و حقیقت ایشان معلوم نیست

وقار

وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ
لِنَفْسِكَ وَأَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ
بِتَقْدِيسِكَ وَأَسْكَنْتَهُمْ بُطُونَ
أَطْبَاقِ سَمٰوَاتِكَ وَالَّذِينَ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا
إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامِ وَعْدِكَ وَخُزَّانِ
الْمَطَرِ وَزَوَاجِرِ السَّحَابِ وَالَّذِي بِصَوْتِ
زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ وَإِذَا سَبَحَتْ
بِهِ خَفِيفَةُ السَّحَابِ الْتَمَعَتْ صَوَاعِقُ
الْبُرُوقِ وَمُشَيِّعِي الثَّلْجِ وَالْبَرَدِ وَالْهَابِطِينَ
مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ وَالْقُوَّامِ عَلَىٰ

خزائن الرياح والموكلين بالجبال

ولا تزول والذين عرّفتهم مثاقيل

المياه وكيل ما تحويه لواعج

الأمطار وعوالجها ورسلك من الملائكة

الى أهل الأرض بمكروه ما ينزل

من البلاء ومحبوب الرخاء والسفرة

الكرام البررة والحفظة الكرام

البررة الكاتبين وملك الموت وأعوانه

ومنكر ونكير ورومان فتان

القبور والطائفين بالبيت المعمور

بیت المعمور خانه‌ایست در آسمان هفتم یا چهارم محاذی مکه معظمه هر روز هفتاد هزار فرشته گرد او طواف میکنند چنانچه در تفاسیر مذکور است

وَمَالِكٍ وَالْخَزَنَةِ وَرِضْوَانَ وَسَدَنَةِ

الْجِنَانِ وَالَّذِينَ لَا يَعْصُونَ اللهَ مَا أَمَرَهُمْ

وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ وَالَّذِينَ

يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ

عُقْبَى الدَّارِ وَالزَّبَانِيَةِ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ابْتَدَرُوهُ

سِرَاعًا وَلَمْ يُنْظِرُوهُ وَمَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ

وَلَمْ نَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ وَبِأَيِّ أَمْرٍ

وَكَّلْتَهُ وَسُكَّانِ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْمَاءِ

وَمَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ

وَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كَرَامَةً

عَلَى كَرَامَتِهِمْ وَطَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ

اللَّهُمَّ وَإِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ

وَبَلَّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ

إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ

يعني تصديق كرده اند بسبب حقيقتهاي ايمان با مشتاق بوده اند از سبب آن

اللَّهُمَّ وَأَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَمُصَدِّقُوهُمْ

مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضَةِ

المعاندين

نيكي ... علي
جهت ياد كردن مؤمنان جمعيهاي ايشان
بنيكي و در بعضي ...
رحمت ... بعث ...
عليهم واقع است و صلوات ايشان ...
رحمت فرستادي ... بسبب
بر ما هم رحمت بفرست
نيكوي ايشان از گفته ايم

بعضي تصديق ايشان كرده اند با مؤمنان
مانند جعفر طيار ... نجاشي ... قيامت
مانند ... با تصديق كرده اند بشارت
در غيبت ايشان و دشمنان منكر ايشان ...
عند ... با تصديق ايشان كرده اند
در دل نه همين بر زبان

المعاندين لهم بالغيب عند معارضة

بالتكذيب والاشتياق الى المرسلين بحقائق

الايمان في كل دهر وزمان ارسلت

فيه رسولا وانت لاهله دليلا من

لدن ادم الى محمد صلى الله عليه واله

من ائمة الهدى وقادة اهل التقى

على جميعهم السلام فاذكرهم منك

بمغفرة ورضوان اللهم واصحاب

محمد خاصة الذين احسنوا الصحابة

والذين ابلوا البلاء الحسن في نصره

[illegible]

اصحاب آنحضرت ص [illegible] صحبت و ملاقات [illegible] بیداری طریق ملاقات [illegible] ایمان از دنیا رفته باشند

وكانفوه واسرعوا الى وفادته وسابقوا الى

دعوته واستجابوا له حيث اسمعهم

حجة رسالاته وفارقوا الازواج والاولاد

في اظهار كلمته وقاتلوا الآباء والابناء

في تثبيت نبوته وانتصروا به ومن

كانوا منطوين على محبته يرجون

تجارة لن تبور في مودته والذين

هجرتهم العشائر اذ تعلقوا بعروته

وانتفت منهم القرابات اذ سكنوا

في ظل قرابته فلا تنس لهم اللهم ما

تركوا

تَرَكُوا لَكَ وَفِيكَ وَأَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ

وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ عَلَيْكَ وَكَانُوا مَعَ رَسُولِكَ

دُعَاةً لَكَ إِلَيْكَ وَاشْكُرْهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ

فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ وَخُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ

الْمَعَاشِ إِلَى ضِيقِهِ وَمَنْ كَثَّرْتَ فِي

إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ اللَّهُمَّ وَأَوْصِلْ

إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ الَّذِينَ يَقُولُونَ

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا

بِالْإِيمَانِ خَيْرَ جَزَائِكَ الَّذِينَ قَصَدُوا

سَمْتَهُمْ وَتَحَرَّوْا وِجْهَتَهُمْ وَمَضَوْا عَلَى

شاكلتهم لم يثنهم ريب في بصيرتهم ولم يختلجهم

شك في قفو آثارهم والائتمام بهداية منارهم

مكانفين وموازرين لهم يدينون بدينهم

ويهتدون بهديهم يتفقون عليهم ولا

يتهمونهم فيما ادوا اليهم اللهم وصل على

التابعين من يومنا هذا الى يوم الدين

وعلى ازواجهم وعلى ذرياتهم وعلى من

اطاعك منهم صلوة تعصمهم بها من

معصيتك وتفسح لهم في رياض جنتك

وتمنعهم بها من كيد الشيطان

وتعينهم بها على ما استعانوك عليه من
برٍّ وتقيهم طوارق الليل والنهار إلا طارقا
يطرق بخير وتبعثهم بها على اعتقاد
حسن الرجاء لك والطمع فيما عندك
وترك التهمة فيما تحويه أيدي العباد
لتردهم إلى الرغبة إليك والرهبة منك
وتزهدهم في سعة العاجل وتحبب
إليهم العمل للآجل والاستعداد لما بعد
الموت وتهون عليهم كل كرب يحل بهم
يوم خروج الأنفس من أبدانها وتعافيهم

مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مَحْذُورَاتِهَا وَكُبَّةِ

النَّارِ وَطُولِ الْخُلُودِ فِيهَا وَتُصَيِّرَهُمْ

إِلَى أَمْنٍ مِنْ مَقِيلِ الْمُتَّقِينَ

اللّٰهُمَّ يَا مَنْ لَا تَنْقَضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْجُبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ

فِي عَظَمَتِكَ وَيَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةُ مُلْكِهِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنْ

نَقِمَتِكَ وَيَا مَنْ لَا تَفْنَى خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا

ثِ رَحْمَتِكَ وَيَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْيَتِهِ
الْاَبْصَارُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَدْنِنَا اِلَى
قُرْبِكَ وَيَا مَنْ تَصْغُرُ عِنْدَ خَطَرِهِ الْاَخْطَارُ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَرِّمْنَا عَلَيْكَ
وَيَا مَنْ تَظْهَرُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْاَخْبَارِ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَفْضَحْنَا لَدَيْكَ
اَللّٰهُمَّ اَغْنِنَا عَنْ هِبَةِ الْوَهَّابِينَ
بِهِبَتِكَ وَاكْفِنَا وَحْشَةَ الْقَاطِعِينَ
بِصِلَتِكَ حَتَّى لَا نَرْغَبَ اِلَى اَحَدٍ مَعَ بَذْلِكَ
وَلَا نَسْتَوْحِشَ مِنْ اَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ اَللّٰهُمَّ

فصل

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكِدْ لَنَا وَلَا تَكِدْ عَلَيْنَا

وَامْكُرْ لَنَا وَلَا تَمْكُرْ بِنَا وَأَدِلْ لَنَا

وَلَا تُدِلْ مِنَّا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَقِنَا مِنْكَ وَاحْفَظْنَا بِكَ وَاهْدِنَا إِلَيْكَ

وَلَا تُبَاعِدْنَا عَنْكَ إِنَّ مَنْ تَقِهِ يَسْلَمْ

وَمَنْ تَهْدِهِ يَعْلَمْ وَمَنْ تُقَرِّبْهُ إِلَيْكَ يَغْنَمْ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنَا

حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ وَشَرَّ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ

اللَّهُمَّ إِنَّمَا يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ

قُوَّتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنَا

وَاِنَّمَا يُعْطِي الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جِدَتِكَ

فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَعْطِنَا وَاِنَّمَا يَهْتَدِي

الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ فَصَلِّ عَلٰى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْدِنَا اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ

مَنْ وَالَيْتَ لَمْ يَضْرُرْهُ خِذْلَانُ الْخَاذِلِينَ

وَمَنْ اَعْطَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنْعُ الْمَانِعِينَ

وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُغْوِهِ اِضْلَالُ الْمُضِلِّينَ

فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنَعْنَا بِعِزِّكَ

مِنْ عِبَادِكَ وَاَغْنِنَا عَنْ غَيْرِكَ بِاِرْفَادِكَ

از بند كانت

وَاسْلُكْ بِنَا سَبِيلَ الْحَقِّ بِاِرْشَادِكَ اَللّٰهُمَّ

وآله

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ سَلَامَةَ
قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ وَفَرَاغَ
أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَانْطِلَاقَ
أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مِنَّتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ دُعَاتِكَ
الدَّاعِينَ إِلَيْكَ وَهُدَاتِكَ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ
وَمِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ

[illegible]

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ

وَمَيَّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ وَجَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ
مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا وَأَمَدًا مَمْدُودًا بُولِجُ
كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ وَيُولِجُ
صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ فِيمَا
يَغْذُوهُمْ بِهِ وَيُنْشِئُهُمْ عَلَيْهِ فَخَلَقَ لَهُمُ
اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ
التَّعَبِ وَنَهَضَاتِ النَّصَبِ وَجَعَلَهُ لَهُمْ
لِبَاسًا لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَمَنَامِهِ فَيَكُونَ
ذَلِكَ لَهُمْ جَمَامًا وَقُوَّةً وَلِيَنَالُوا بِهِ لَذَّةً
وَشَهْوَةً وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا

لِيَبْتَغُوا مِنْهُ فَضْلِهِ وَلِيَتَسَبَّبُوا إِلَى

رِزْقِهِ وَيَسْرَحُوا فِي أَرْضِهِ طَلَبًا لِمَا فِيهِ

نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ وَدَرَكُ الْآجِلِ

فِي أُخْرَاهُمْ بِكُلِّ ذَلِكَ يُصْلِحُ شَأْنَهُمْ

وَيَبْلُوا أَخْبَارَهُمْ وَيَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ

فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ وَمَنَازِلِ فُرُوضِهِ

وَمَوَاقِعِ أَحْكَامِهِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ

أَسَاؤُا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا

بِالْحُسْنَى اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَ

لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ وَمَتَّعْتَنَا بِهِ مِنْ ضَوْءِ

النهار

النَّهارِ وَبَصَّرْتَنا مِنْ مَطالِبِ الأقْواتِ
وَوَقَيْتَنا فيهِ مِنْ طَوارِقِ الآفاتِ
أَصْبَحْنا وَأَصْبَحَتِ الأشْياءُ كُلُّها بِجُمْلَتِها
لَكَ سَماؤُها وَأَرْضُها وَما بَثَثْتَ في
كُلِّ واحِدٍ مِنْهُما ساكِنُهُ وَمُتَحَرِّكُهُ ۵
وَمُقيمُهُ وَشاخِصُهُ وَما عَلا فِي الهَواءِ
وَما كَنَّ تَحْتَ الثَّرى أَصْبَحْنا في قَبْضَتِكَ
يَحْوينا مُلْكُكَ وَسُلْطانُكَ وَتَضُمُّنا
مَشِيَّتُكَ وَنَتَصَرَّفُ عَنْ أَمْرِكَ وَنَتَقَلَّبُ
في تَدْبيرِكَ لَيْسَ لَنا مِنَ الأمْرِ إلّا ما قَضَيْتَ

وَلَا مِنَ الْخَيْرِ اِلَّا مَا اَعْطَيْتَ وَهٰذَا يَوْمٌ

حَادِثٌ جَدِيدٌ وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ

عَتِيدٌ اِنْ اَحْسَنَّا وَدَّعَنَا بِحَمْدٍ وَاِنْ

اَسَأْنَا فَارَقَنَا بِذَمٍّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ ۞

وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ

جَرِيرَةٍ اَوِ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ اَوْ كَبِيرَةٍ

وَاَجْزِلْ لَنَا فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَامْلَأْ لَنَا

مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَشُكْرًا

وَاَجْرًا وَذُخْرًا وَفَضْلًا وَاِحْسَانًا

وَاَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

اللهم يسّر على الكرام الكاتبين مؤونتنا

خداوندا آسان کن بر فرشتگان بزرگ که نویسندگان اند

واملأ لنا من حسناتنا صحائفنا

و پر کن برای ما از حسنات ما نامهای ما را

ولا تخزنا عندهم بسوء أعمالنا

و رسوا مکن ما را نزد ایشان به بدی عملهای ما

اللهم اجعل لنا في كل ساعة

خداوندا بگردان برای ما در هر ساعتی

من ساعاته حظا من عبادك ونصيبا

از ساعتها بهره از بندگی تو و نصیبی

من شكرك وشاهد صدق

از سپاس تو و گواه راستی

من ملائكتك اللهم صل على محمد

از فرشتگان تو خداوندا رحمت فرست بر محمد

وآله واحفظنا من بين أيدينا ومن

و آل او و نگاه دار ما را از پیش روی ما و از

خلفنا وعن أيماننا وعن شمائلنا

پس ما و از جانبهای راست و از جانبهای چپ

ومن جميع نواحينا حفظا عاصما

یعنی هر ساعت کار نیکی کنم
که فرشته گواه شود بر نیک
کار ما

مِن مَعْصِيَتِكَ هَادِيًا إِلَى طَاعَتِكَ مُسْتَعْمِلًا

لِمَحَبَّتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَوَفِّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ

وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا وَلَيَالِينَا لِاسْتِعْمَالِ

الْخَيْرِ وَهِجْرَانِ الشَّرِّ وَشُكْرِ النِّعَمِ

وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ وَمُجَانَبَةِ الْبِدَعِ وَالْأَمْرِ

بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

وَحِيَاطَةِ الْإِسْلَامِ وَانْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَإِذْلَالِهِ

وَنُصْرَةِ الْحَقِّ وَإِعْزَازِهِ وَإِرْشَادِ الضَّالِّ

وَمُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ وَإِدْرَاكِ اللَّهِيفِ

اللهم صل على محمد وآله واجعله ايمن

يوم عهدناه وافضل صاحب صحبناه

وخير وقت ظللنا فيه واجعلنا من

ارضى من مر عليه الليل والنهار من

جملة خلقك اشكرهم لما اوليت

من نعمك واقومهم بما شرعت من

من شرايعك واوقفهم عما حذرت

من نهيك اللهم اني اشهدك وكفى

بك شهيدا واشهد سماءك وارضك

ومن اسكنتهما من ملائكتك وسائر

خَلْقِكَ فِي يَوْمِي هٰذَا وَسَاعَتِي هٰذِهِ وَلَيْلَتِي

هٰذِهِ وَمُسْتَقَرِّي هٰذَا اَنِّي اَشْهَدُ اَنَّكَ

اَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ

عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ

مَالِكُ الْمُلْكِ رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ وَاَنَّ مُحَمَّدًا

عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَخِيَرَتُكَ مِنْ

بنده است ورسول تو است وبرگزیده است از

خَلْقِكَ حَمَّلْتَهُ رِسَالَتَكَ فَاَدَّاهَا

وَاَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ لِاُمَّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا اَللّٰهُمَّ

فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَكْثَرَ مَا

صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَآتِهِ عَنَّا

أَفْضَلَ مَا أَتَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ

وَاجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ وَأَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ

أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِيمِ الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ

وَأَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ فَصَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

الْأَخْيَارِ ... الْأَنْجَبِينَ

يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ وَيَا مَنْ

يَفْثَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ

مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ ذَلَّتْ

لِقُدْرَتِكَ الصِّعَابُ وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ

الْأَسْبَابُ وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ

وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ

دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ وَبِإِرَادَتِكَ دُونَ

نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ

وَأَنْتَ الْمَفْزَعُ فِي الْمُلِمَّاتِ لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا

إِلَّا مَا دَفَعْتَ وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا

كَشَفْتَ وَقَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَأَّدَنِي

ثِقْلُهُ وَأَلَمَّ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ وَبِقُدْرَتِكَ

أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَبِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ

إِلَىٰ فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ وَلَا صَارِفَ

لِمَا أَصْرَفْتَ وَجَّهْتَ وَلَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ

وَلَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ وَلَا مُيَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ

وَلَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ وَافْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ

وَاكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ

وَأَنِلْنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ وَأَذِقْنِي

حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ وَهَبْ لِي

مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجًا هَنِيئًا وَاجْعَلْ

لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَحِيًّا وَلَا تَشْغَلْنِي

بِالْاِهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ ٥

وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ فَقَدْ ضِقْتُ لِمَا

نَزَلَ بِي يَا رَبِّ ذَرْعًا وَامْتَلَأْتُ بِحَمْلِ

مَا حَدَثَ عَلَيَّ هَمًّا وَاَنْتَ الْقَادِرُ ٥

عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ وَدَفْعِ مَا

وَقَعْتُ فِيهِ فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ وَاِنْ

لَمْ اَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

من دعائه ... سيء الاخلاق ومذام

الافعال

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحِرْصِ

وسورة

وَسَوْرَةِ الغَضَبِ وَغَلَبَةِ الحَسَدِ وَضَعْفِ

الصَّبْرِ وَقِلَّةِ القَنَاعَةِ وَشَكَاسَةِ

الخُلُقِ وَإِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ وَمَلَكَةِ الحَمِيَّةِ

وَمُتَابَعَةِ الهَوَى وَمُخَالَفَةِ الهُدَى وَسِنَةِ

الغَفْلَةِ وَتَعَاطِي الكُلْفَةِ وَإِيثَارِ البَاطِلِ

عَلَى الحَقِّ وَالإِصْرَارِ عَلَى المَأْثَمِ وَاسْتِصْغَارِ

المَعْصِيَةِ وَاسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ وَمُبَاهَاةِ

المُكْثِرِينَ وَالإِزْرَاءِ بِالمُقِلِّينَ وَسُوءِ

الوِلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا وَتَرْكِ الشُّكْرِ

لِمَنِ اصْطَنَعَ العَارِفَةَ عِنْدَنَا أَوْ أَنْ نَعْضُدَ

ظالماً او نخذل ملهوفاً او نروم ما ليس

لنا بحق او نقول في العلم بغير علم و نعوذ بك

ان ننطوي على غش احد و ان نعجب

باعمالنا و نمد في آمالنا و نعوذ بك

من سوء السريرة و احتقار الصغيرة

و ان يستحوذ علينا الشيطان او ينكبنا

الزمان او يتهضمنا السلطان و نعوذ

بك من تناول الاسراف و من فقدان

الكفاف و نعوذ بك من شماتة

الاعداء و من الفقر الى الاكفاء

وَمِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ وَمِيتَةٍ عَلَى غَيْرِ

یعنی تهیه و ذخیره از برای آخرت نکرده باشیم از اعمال آخرت نیکو و مانند آن

عُدَّةٍ وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعُظْمَى

وَالْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى وَأَشْقَى الشَّقَاءِ

وَسُوءِ الْمَآبِ وَحِرْمَانِ الثَّوَابِ وَحُلُولِ

یا از محل باز گشتن یعنی محل بازگشتی دوزخ نباشد

الْعِقَابِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَأَعِذْنِي مِنْ كُلِّ ذٰلِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا

وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْ...

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَيِّرْنَا

إِلَى مَحْبُوبِكَ مِنَ التَّوْبَةِ وَأَزِلْنَا عَنْ

مكروهك من الإصرار اللهم
ومتى وقفنا بين نقصين في دين او
دنيا فاوقع النقص باسرعهما فناء
واجعل التوبة في اطولهما بقاء
واذا هممنا بهمين يرضيك احدهما
عنا ويسخطك الآخر علينا فمل بنا
الى ما يرضيك عنا واوهن قوتنا
عما يسخطك علينا ولا تخل في ذلك
بين نفوسنا واختيارها فانها مختارة
للباطل الا ما وفقت امارة بالسوء

عن المحو

نقصين بحر

يعني هر گاه يكي از دو نقصان در دين يا دنيا بما متوجه شود ... كه توبه كنيم ... نقصان اخروي بما ... رسد

يعني قصد دو چيز داشته باشيم يا يكي از اين دو چيز را قصد داشته باشيم ... ظاهر تر است

إِلَّا مَا رَحِمْتَ اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ مِنَ الضَّعْفِ
خَلَقْتَنَا وَعَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا وَمِنْ مَاءٍ
مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ
وَلَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ فَأَيِّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ
وَسَدِّدْنَا بِتَسْدِيدِكَ وَأَعْمِ أَبْصَارَ
قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ وَلَا تَجْعَلْ
لِشَيْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوذًا فِي مَعْصِيَتِكَ
اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ
هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا وَحَرَكَاتِ أَعْضَائِنَا
وَلَمَحَاتِ أَعْيُنِنَا وَلَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِي

ظاهرا مراد از همسات الخ آنهاست
که در دل درمی‌آید از فکرها و مثل آنها

موجبات ثوابك حتى لا تفوتنا حسنة نستحق

بها جزائك ولا تبقى لنا سيئة نستوجب بها

عقابك

اللهم ان تشأ تعف عنا فبفضلك وان

تشأ تعذبنا فبعدلك فسهل لنا عفوك

بمنك واجرنا من عذابك بتجاوزك

فانه لا طاقة لنا بعدلك ولا نجاة

لاحد منا دون عفوك يا غنى

الاغنياء ها نحن عبادك بين يديك

وانا افقر الفقراء اليك فاجبر فاقتنا

وسد

بِوُسْعِكَ وَلَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ فَتَكُونَ
قَدْ اَشْقَيْتَ مَنِ اسْتَسْعَدَ بِكَ وَحَرَمْتَ
مَنِ اسْتَرْفَدَ فَضْلَكَ فَاِلَى مَنْ حِينَئِذٍ
مُنْقَلَبُنَا عَنْكَ وَاِلَى اَيْنَ مَذْهَبُنَا عَنْ
بَابِكَ سُبْحَانَكَ نَحْنُ الْمُضْطَرُّونَ الَّذِينَ
اَوْجَبْتَ اِجَابَتَهُمْ وَاَهْلُ السُّوءِ الَّذِينَ
وَعَدْتَ الْكَشْفَ عَنْهُمْ وَاَشْبَهُ الْاَشْيَا
بِمَشِيَّتِكَ وَاَوْلَى الْاُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ
رَحْمَةُ مَنِ اسْتَرْحَمَكَ وَغَوْثُ مَنِ اسْتَغَاثَ
بِكَ فَارْحَمْ تَضَرُّعَنَا اِلَيْكَ وَاَغْنِنَا اِذْ

ضرحنا انفسنا بين يديك اللهم ان

الشيطان قد شمت بنا اذ شايعناه

على معصيتك فصل على محمد واله

ولا تشمته بنا بعد تركنا اياه ورغبتنا

عنه اليك

يا من ذكره شرف للذاكرين

ويا من شكره فوز للشاكرين ويا من

طاعته نجاة للمطيعين صل على

محمد واله واشغل قلوبنا بذكرك

عن كل ذكر والسنتنا بشكرك

عن كل

عَنْ كُلِّ شُكْرٍ وَجَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ

عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا

مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ ه

لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ سَامَةٌ حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا

(تبعة ولا تلحقنا فيه)

كُتَّابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ

مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا وَيَتَوَلَّى كُتَّابُ

الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ

حَسَنَاتِنَا وَإِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا

وَتَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا وَاسْتَحْضَرَتْنَا

دَعْوَتُكَ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا وَمِنْ إِجَابَتِهَا

فصلّ على محمّد وآله واجعل ختام ما

تحصى علينا كتبة اعمالنا توبة مقبولة

لا توقفنا بعدها على ذنب اجترحناه

ولا معصية اقترفناها ولا تكشف عنّا

سترا سترته على رؤس الاشهاد يوم

تبلو اخبار عبادك انّك رحيم بمن دعاك

ومستجيب [illegible] لمن ناداك

[illegible]

اللهمّ انّه يحجبني عن مسألتك خلال

ثلث وتحدوني عليها خلّة واحدة

يحجبني

يَحْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتَ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ
وَنَهْيٌ نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ وَنِعْمَةٌ
أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا
وَيُحَمِّدُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفَضُّلُكَ عَلَى
مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ وَوَفَدَ بِحُسْنِ
ظَنِّهِ إِلَيْكَ إِذْ جَمِيعُ إِحْسَانِكَ تَفَضُّلٌ وَإِذْ
كُلُّ نِعَمِكَ ابْتِدَاءٌ فَهَا أَنَا ذَا إِلٰهِي وَاقِفٌ
بِبَابِ عِزِّكَ وُقُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الذَّلِيلِ
وَسَائِلُكَ عَلَى الْحَيَاءِ مِنِّي سُؤَالَ الْبَائِسِ
الْمُعِيلِ مُقِرٌّ لَكَ بِأَنِّي لَمْ أَسْتَسْلِمْ وَقْتَ

إحسانك إلّا بالإقلاع عن عصيانك

ولم أخل في الحالات كلها من امتنانك

فهل ينفعني يا إلهي إقراري عندك

بسوء ما اكتسبت وهل ينجيني منك

اعترافي لك بقبيح ما ارتكبت أم أوجبت

لي في مقامي هذا سخطك أم لزمني

في وقت دعائي مقتك سبحانك لا

أيأس منك وقد فتحت لي باب التوبة

إليك بل أقول مقال العبد الذليل

الظالم لنفسه المستخف بحرمة ربه

الَّذِی عَظُمَتْ ذُنُوبُهُ فَجَلَّتْ وَاَدْبَرَتْ

اَیَّامُهُ فَوَلَّتْ حَتّٰی اِذَا رَاٰی مُدَّةَ الْعَمَلِ

قَدِ انْقَضَتْ وَغَایَةَ الْعُمُرِ قَدِ انْتَهَتْ

وَاَیْقَنَ اَنَّهُ لَا مَحِیصَ لَهُ مِنْكَ وَلَا مَهْرَبَ

لَهُ عَنْكَ تَلَقَّاكَ بِالْاِنَابَةِ وَاَخْلَصَ لَكَ

التَّوْبَةَ فَقَامَ اِلَیْكَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ نَقِیٍّ

ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ خَفِیٍّ قَدْ تَطَاْطَاَ

لَكَ فَانْحَنٰی وَنَكَّسَ رَاْسَهُ فَانْثَنٰی قَدْ

اَرْعَشَتْ خَشْیَتُهُ رِجْلَیْهِ وَغَرَّقَتْ

دُمُوعُهُ خَدَّیْهِ یَدْعُوكَ یَا اَرْحَمَ

الرّاحمين ويا ارحم من ابتغاه المسترحمون

ويا اعطف من اطاف به المستغفرون

ويا من عفوه اكثر من نقمته ويا

من رضاه اوفر من سخطه ويا من

تحمّد الى خلقه بحسن التّجاوز ويا

من عوّد عباده قبول الانابة ويا من

من استصلح فاسدهم بالتّوبة ويا من

رضى من فعلهم باليسير ويا من

كافى قليلهم بالكثير ويا من

ضمن لهم اجابة الدّعاء ويا من

وَعَدَهُمْ عَلَى نَفْسِهِ بِتَفَضُّلِهِ حُسْنَ
الْجَزَاءِ مَا أَنَا بِأَعْصَى مَنْ عَصَاكَ
فَغَفَرْتَ لَهُ وَمَا أَنَا بِأَلْوَمِ مَنِ اعْتَذَرَ
إِلَيْكَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ وَمَا أَنَا بِأَظْلَمِ
مَنْ تَابَ إِلَيْكَ فَعُدْتَ عَلَيْهِ أَتُوبُ
إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةَ نَادِمٍ عَلَى
مَا فَرَطَ مِنْهُ مُشْفِقٍ مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ
خَالِصِ الْحَيَاءِ مِمَّا وَقَعَ فِيهِ عَالِمٍ بِأَنَّ
الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ لَا يَتَعَاظَمُكَ
وَأَنَّ التَّجَاوُزَ عَنِ الْإِثْمِ الْجَلِيلِ لَا

يسعك وان احتمال الجنايات الفاناً
لا يتكاءدك وان احب عبادك اليك
من ترك الاستكبار عليك وجانب الاصرار
ولزم الاستغفار وانا ابرء اليك من
ان استكبر واعوذ بك من ان
اصر واستغفرك لما قصرت فيه واستعين
بك على ما عجزت عنه اللهم صل على
محمد واله وهب لي ما يجب علي لك
وعافني مما استوجبه منك واجرني
مما يخافه اهل الاساءة فانك ملئ

بالعفو مرجوٌّ للمغفرة معروفٌ بالتجاوز

ليس لحاجتي مطلبٌ سواك ولا لذنبي

غافرٌ غيرك حاشاك ولا أخاف على

یعنی امرزنده غیر تو باشم

نفسي إلا إياك إنك أهل التقوى وأهل

یعنی سزاوار آنی که از تو بپرهیزم

المغفرة وصلّ على محمدٍ وآل محمدٍ

بر محمد وال محمد

واقض حاجتي وأنجح طلبتي واغفر

ذنبي وآمن خوف نفسي إنك على كل

شيءٍ قدير وذلك عليك يسير آمين ربّ العالمين

اللهم يا منتهى مطلب الحاجات ويا من

واو از منتهای مطلب حاجتها بود زیرا اینست که هر حاجتی که هست با لا تر از آن خواهد
دیگر است یا اینکه بخدای تعالی بر سد که بالا تر از او حاجتی و مطلبی نیست یا اینست
که از همه خلایق که نومید شد اند آخر حاجت از او میطلبند یا اینکه غیر خدای تعالی
هر کسی که حاجتی از او میطلبند او نیز از غیر خود البته حاجتی میطلبد یا اینکه منتهی که
شود بخدای تعالی که او از غیر خود حاجت نمیطلبد

عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ وَيَا مَنْ لَا يَبِيعُ

نِعَمَهُ بِالْأَثْمَانِ وَيَا مَنْ لَا يُكَدِّرُ

عَطَايَاهُ بِالْاِمْتِنَانِ وَيَا مَنْ يُسْتَغْنَى

بِهِ وَلَا يُسْتَغْنَى عَنْهُ وَيَا مَنْ يُرْغَبُ

اِلَيْهِ وَلَا يُرْغَبُ عَنْهُ وَيَا مَنْ لَا تَفْنَى

خَزَائِنَهُ الْمَسَائِلُ وَيَا مَنْ لَا تُبَدِّلُ

حِكْمَتَهُ الْوَسَائِلُ وَيَا مَنْ

لَا تَنْقَطِعُ عَنْهُ حَوَائِجُ الْمُحْتَاجِينَ وَيَا

مَنْ لَا يُعْيِيهِ دُعَاءُ الدَّاعِينَ تَمَدَّحْتَ

بِالْغَنَاءِ عَنْ خَلْقِكَ وَأَنْتَ أَهْلُ الْغِنَى

عنهم

عَنهُمْ وَنِسْبَتِهِمْ اِلَى الفَقْرِ وَهُمْ اَهْلُ

الفَقْرِ اِلَيْكَ فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ مِنْ

عِنْدِكَ وَرَامَ صَرْفَ الفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ

بِكَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَظَانِّهَا وَاَتَى

طَلِبَتَهُ مِنْ وَجْهِهَا وَمَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ

اِلَى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ اَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ

نُجْحِهَا دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ

وَاسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ فَوْتَ الاِحْسَانِ

اَللّٰهُمَّ وَلِي اِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا

جُهْدِي وَتَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيَلِي وَسَوَّلَتْ

لي نفسي دفعها الى من يرفع حوائجه اليك

ولا يستغني في طلباته عنك وهي

زلة من زلل الخاطئين وعثرة من

عثرات المذنبين ثم انتبهت بتذكيرك

لي من غفلتي ونهضت بتوفيقك

من زلتي ونكصت بتسديدك

عن عثرتي وقلت سبحان ربي كيف

يسئل محتاج محتاجا وانى رغب معدم

الى معدم فقصدتك يا الهي بالرغبة

واوفدت عليك رجائي بالثقة بك

٤٤

وَعَلِمْتُ اَنَّ كَثِيرَ مَا اَسْئَلُكَ يَسِيرٌ

فِي وُجْدِكَ وَاَنَّ خَطِيرَ مَا اَسْتَوْهِبُكَ

حَقِيرٌ فِي وُسْعِكَ وَاَنَّ كَرَمَكَ لَا يَضِيقُ

عَنْ سُؤَالِ اَحَدٍ وَاَنَّ يَدَكَ بِالْعَطَايَا

وانكه دست تو بعطاها

اَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ وَاحْمِلْنِي بِكَرَمِكَ عَلَى

التَّفَضُّلِ وَلَا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ عَلَى

الْاِسْتِحْقَاقِ فَمَا اَنَا بِاَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ

اِلَيْكَ فَاَعْطَيْتَهُ وَهُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنْعَ

وَلَا بِاَوَّلِ سَائِلٍ سَئَلَكَ فَاَفْضَلْتَ

عَلَيْهِ وَهُوَ يَسْتَوْجِبُ الْحِرْمَانَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكُنْ لِدُعَائِي مُجِيبًا
وَمِنْ نِدَائِي قَرِيبًا وَلِتَضَرُّعِي رَاحِمًا
وَلِصَوْتِي سَامِعًا وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي عَنْكَ
وَلَا تَبُتَّ سَبَبِي مِنْكَ وَلَا تُوَجِّهْنِي فِي
حَاجَتِي هٰذِهِ وَغَيْرِهَا إِلٰى سِوَاكَ وَتَوَلَّنِي
بِنُجْحِ طَلِبَتِي وَقَضَاءِ حَاجَتِي وَنَيْلِ سُؤْلِي قَبْلَ
زَوَالِي عَنْ مَوْقِفِي هٰذَا بِتَيْسِيرِكَ لِيَ الْعَسِيرَ
وَحُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ
وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلٰوةً دَائِمَةً
نامية

نامية لا انقطاع لابدها ولا منتهى

[illegible]

لامدها واجعل ذلك عونا لى وسببا

[illegible]

لنجاح طلبتى انك واسع كريم ومن حاجتى

[illegible]

يا رب كذا وكذا وتذكر حاجتك

[illegible]

ثم تسجد وتقول فى سجودك فضلك

[illegible]

آنسنى واحسانك دلنى فاسئلك بك

[illegible]

وبمحمد وآله صلواتك عليهم ان لا تردنى

[illegible]

خائبا انك سميع الدعاء قريب مجيب

[illegible]

[illegible]

يا من لا يخفى عليه انباء المتظلمين ويا من

[illegible]

[illegible]

لا يحتاج في قصصه إلى شهادات الشاهدين

ويا من قربت نصرته من المظلومين

ويا من بعد عونه عن الظالمين قد

علمت يا إلهي ما نالني من فلان بن فلان

مما حظرت وانتهكه مني مما حجزت

عليه بطرا في نعمتك عنده واغترارا

بنكيرك عليه اللهم فصل على

محمد وآله وخذ ظالمي وعدوي عن

ظلمي بقوتك وافلل حده عني بقدرتك

واجعل له شغلا فيما يليه وعجزا

ثانيا وبه اللهم وصل على محمد وآله ولا تسوغ

له ظلمي واحسن عليه عوني واعصمني

من مثل حاله اللهم صل على محمد وآله

واعدني عليه عدوى حاضرة تكون

من غيظي به شفاء ومن حنقي عليه

وفاء اللهم صل على محمد وآله وعوضني

من ظلمه لي عفوك وابدلني بسوء

صنيعه بي رحمتك فكل مكروه جلل

دون سخطك وكل مرزئة سواء مع

موجدتك اللهم فكما كرهت الي ان

ولا تجعلني في مثل افعاله

أن أظلم وقفني من أن أظلم اللهم لا أشكو

إلى أحد سواك ولا أستعين بحاكم

غيرك حاشاك فصل على محمد وآله

وصل دعائي بالإجابة واقرن

شكايتي بالتغيير اللهم لا تفتني

بالقنوط من انصافك ولا تفتنه

بالأمن من انكارك فيصر على ظلمي

ويحاصرني بحقي وعرفه عما قليل

ما أوعدت الظالمين وعرفني ما

وعدت في إجابة المضطرين اللهم

صل على

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَفِّقْنِي لِقَبُولِ

[illegible]

مَا قَضَيْتَ لِي وَعَلَيَّ وَرَضِّنِي بِمَا أَخَذْتَ

[illegible]

لِي وَمِنِّي وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَاسْتَعْمِلْنِي

[illegible]

بِمَا هُوَ أَسْلَمُ اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتِ الْخِيَرَةُ

[illegible]

لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي وَتَرْكِ

[illegible]

الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَمَجْمَعِ

انتقام از آنکس که [illegible]

الْخَصْمِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَيِّدْنِي

[illegible]

مِنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَصَبْرٍ دَائِمٍ وَأَعِذْنِي

[illegible]

مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ وَهَلَعِ أَهْلِ الْحِرْصِ

از بدی خواهش و از [illegible]

وَصَوِّرْ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِي مِنْ

[illegible] ذخیره قرار داده [illegible]

ثَوَابِكَ وَاعْدَدْتَ لِخَصْمِى مِنْ جَزَائِكَ

وَعِقَابِكَ وَاجْعَلْ ذٰلِكَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِى

بِمَا قَضَيْتَ وَثِقَتِى بِمَا تَخَيَّرْتَ اٰمِينَ

اجابت کن دعا را

رَبَّ الْعَالَمِينَ اِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰى مَا لَمْ اَزَلْ اَتَصَرَّفُ

خداوندا مر تراست سپاس بر انچه همیشه میکنم در او

فِيهِ مِنْ سَلَامَةِ بَدَنِى وَلَكَ الْحَمْدُ

از سلامت بدن من و مر تراست سپاس

عَلٰى مَا اَحْدَثْتَ بِى مِنْ عِلَّةٍ فِى جَسَدِى

بر انچه پدید اورده در من از علت در جسد من

فَمَا اَدْرِى يَا اِلٰهِى اَىُّ الْحَالَيْنِ اَحَقُّ

پس نمیدانم ای خدای من کدام یک از این دو حالت

بالشكر

بِالشُّكْرِ لَكَ وَأَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ

لَكَ أَوَقْتُ الصِّحَّةِ الَّتِي هَنَّأْتَنِي فِيهَا

طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ وَنَشَّطْتَنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ

مَرْضَاتِكَ وَفَضْلِكَ وَقَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى

مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ أَمْ وَقْتُ

الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَّصْتَنِي بِهَا وَالنِّعَمِ الَّتِي

أَتْحَفْتَنِي بِهَا تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ

ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ وَتَطْهِيرًا لِمَا

انْغَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ وَتَنْبِيهًا

لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ وَتَذْكِيرًا لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ

بتقديم النعمة وفي خلال ذلك ما كتب
لي الكاتبان من زكي الأعمال
ما لا قلب فكّر فيه ولا لسان نطق
به ولا جارحة تكلّفته بل افضالاً
منك عليّ واحساناً من صنيعك
إليّ اللهم فصلّ على محمد وآله
وحبّب إليّ ما رضيت لي ويسّر لي ما
أحللت بي وطهّرني من دنس ما
أسلفت وامح عني شرّ ما قدّمت
وأوجدني حلاوة العافية وأذقني

مراد اینست که در بیماری کاتبان اعمال عمل نیکو مینویسند از برای آدمی و اگر چه نکند و در احادیث بتصریح باین معنی بسیار واقع شده

برد السلامة

بَرْدَ السَّلامَةِ وَاجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عِلَّتِي إِلَى

عَفْوِكَ وَمُتَحَوَّلِي عَنْ صَرْعَتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ

وَخَلاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ وَسَلامَتِي

مِنْ هٰذِهِ الشِّدَّةِ إِلَى فَرَجِكَ إِنَّكَ

الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ الْمُتَطَوِّلُ بِالْإِمْتِنَانِ

الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ ذُو الْجَلالِ وَالْإِكْرَامِ

اللّٰهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَغِيثُ الْمُذْنِبُونَ

وَيَا مَنْ ذِكْرِ إِحْسَانِهِ يَفْزَعُ ٥

المضطرون ويا من لخيفته ينتحب الخاطئون

يا انس كل مستوحش غريب ويا فرج

كل مكروب كئيب ويا غوث كل مخذول

فريد ويا عضد كل محتاج طريد انت

الذي وسعت كل شيء رحمة وعلما

یعنی همه چیز از رحمت و علم تو گنجیده است

وانت الذي جعلت لكل مخلوق

في نعمك سهما وانت الذي عفوه اعلى

من عقابه وانت الذي تسعى رحمته

امام غضبه وانت الذي عطاؤه

اكثر من منعه وانت الذي

اتسع

اتسع الخلائق كلهم في وسعه وانت

الذي لا يرغب في جزاء من اعطاه وانت

الذي لا يفرط في عقاب من عصاه وانا

يا الهي عبدك الذي امرته بالدعاء فقال

لبيك وسعديك ها انا ذا يا رب مطروح

بين يديك انا الذي اوقرت الخطايا ه

ظهره وانا الذي افنت الذنوب عمره

وانا الذي بجهله عصاك ولم تكن

اهلا منه لذاك هل انت يا الهي راحم

من دعاك فابلغ في الدعاء ام انت

مراد از [illegible] آنست كه تمام عمر را
در گناه بسر برده يا اينكه گناهان
باعث هلاك و شكست او شده ه

غافر لمن بكاك فأسرع في البكاء

أم أنت متجاوز عمن عفر لك وجهه

تذللا أم أنت مغن من شكا إليك

فقره توكلا إلهي لا تخيب من لا يجد

معطيا غيرك ولا تخذل من لا يستغني

عنك بأحد دونك إلهي فصل على محمد

وآله ولا تعرض عني وقد أقبلت إليك

ولا تحرمني وقد رغبت إليك ولا

تجبهني بالرد وقد انتصبت بين

يديك أنت الذي سميت نفسك بالعفو

أنت الذي وصفت نفسك

بالرحمة فصل على محمد وآله

وارحمني و

فاعف

فَاعفُ عَنّي وَقَدْ تَرىٰ يَا اِلٰهي فَيْضَ دَمْعي

مِنْ خيفَتِكَ وَوَجيبَ قَلْبي مِنْ

خَشْيَتِكَ وَانتِقَاضَ جَوارِحي مِنْ هَيْبَتِكَ

كُلُّ ذٰلِكَ حَيَاءً مِنّي بِسُوءِ عَمَلي وَلِذاكَ

خَمَدَ صَوْتي عَنِ الجَأرِ اِلَيْكَ وَكَلَّ لِساني

عَنْ مُناجاتِكَ يَا اِلٰهي فَلَكَ الحَمْدُ فَكَمْ

مِنْ عائِبَةٍ سَتَرْتَها عَلَيَّ فَلَمْ تُشْهِرْني

وَكَمْ مِنْ شائِبَةٍ اَلْمَمْتُ بِها فَلَمْ

تَهْتِكْ عَنّي سِتْرَها وَلَمْ تُقَلِّدْني مَكْرُوهَ

شَنارِها وَلَمْ تُبْدِ سَوْآتِها لِمَنْ يَلْتَمِسُ

فلم تفضحني وكم من ذنب غطيته علي

مَعَايِبِي مِنْ جِيرَتِي وَحَسَدَةِ نِعْمَتِكَ

عِنْدِي ثُمَّ لَمْ يَنْهَنِي ذَلِكَ عَنْ أَنْ

جَرَيْتُ إِلَى سُوءِ مَا عَهِدْتَ مِنِّي فَمَنْ

أَجْهَلُ مِنِّي يَا إِلَهِي بِرُشْدِهِ وَمَنْ أَغْفَلُ

مِنِّي عَنْ حَظِّهِ وَمَنْ أَبْعَدُ مِنِّي

مِنِ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِينَ أَقِفُ

بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ الشَّيْطَانِ

فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِ عَمًى مِنِّي فِي مَعْرِفَةٍ

بِهِ وَلَا نِسْيَانٍ مِنْ حِفْظِي لَهُ وَأَنَا حِينَئِذٍ

مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَى دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ

أنفق ما أجريت علي من رزقك فيما نهيتني عنه من معصيتك ومن أبعد غورا في الباطل وأشد إقداما على السوء مني حين

ومنتهى

وَمُنْتَهى دَعْوَتِهِ اِلَى النّارِ سُبْحانَكَ ما اَعْجَبَ

ما اَشْهَدُ بِهِ عَلى نَفْسى وَاُعَدِّدُهُ مِنْ

مَكْتُومِ اَمْرى وَاَعْجَبُ مِنْ ذلِكَ اَناتُكَ

عَنّى وَاِبْطاؤُكَ عَنْ مُعاجَلَتى وَلَيْسَ

ذلِكَ مِنْ كَرَمى عَلَيْكَ بَلْ تَاَنِّيًا

مِنْكَ لى وَتَفَضُّلاً مِنْكَ عَلَىَّ لِاَنْ اَرْتَدِعَ

عَنْ مَعْصِيَتِكَ الْمُسْخِطَةِ وَاُقْلِعَ عَنْ

سَيِّئاتِىَ الْمُخْلِقَةِ وَلِاَنَّ عَفْوَكَ عَنّى

اَحَبُّ اِلَيْكَ مِنْ عُقُوبَتى بَلْ اَنَا يا اِلهى

اَكْثَرُ ذُنُوبًا وَاَقْبَحُ آثارًا وَاَشْنَعُ

أَفْعَالاً وَأَشَدُّ فِي الْبَاطِلِ تَهَوُّراً وَأَضْعَفُ

عِنْدَ طَاعَتِكَ تَيَقُّظاً وَأَقَلُّ لِوَعِيدِكَ

انْتِبَاهاً وَارْتِقَاباً مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ

عُيُوبِي أَوْ أَقْدِرَ عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِي

وَإِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهٰذَا نَفْسِي طَمَعاً فِي رَأْفَتِكَ

الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ وَرَجَاءً

لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا فَكَاكُ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ

اللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعْتِقْهَا بِعَفْوِكَ

وَهٰذَا ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلَتْهُ الْخَطَايَا

فصلّ ع

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَفِّفْ عَنِّي
بِمَنِّكَ يَا اِلٰهِي لَوْ بَكَيْتُ اِلَيْكَ
حَتَّى تَسْقُطَ اَشْفَارُ عَيْنَيَّ وَانْتَحَبْتُ
حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي وَقُمْتُ لَكَ حَتَّى
تَتَنَشَّرَ قَدَمَايَ وَرَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ
صُلْبِي وَسَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَا
وَاَكَلْتُ تُرَابَ الْاَرْضِ طُولَ عُمْرِي وَشَرِبْتُ
مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي وَذَكَرْتُكَ فِي
خِلَالِ ذٰلِكَ حَتَّى يَكِلَّ لِسَانِي ثُمَّ لَمْ
اَرْفَعْ طَرْفِي اِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءً مِنْكَ

ما آستوجبت بذلك محو سيئة واحدة

من سيئاتي وإن كنت تغفر لي حين

أستوجب مغفرتك وتعفو عني

حين أستحق عفوك فإن ذلك

غير واجب لي باستحقاق ولا أنا

أهل له باستيجاب إذ كان جزائي

منك في أول ما عصيتك النار فإن

تعذبني فأنت غير ظالم لي إلهي فإذ قد

تغمدتني بسترك فلم تفضحني

وتأنيتني بكرمك فلم تعاجلني

وحلمت

گویا مراد لیس بهم آنکه اگر مرا بیامرزی
در وقتیکه مستوجب آمرزش باشم
باز اینهم از روی استحقاق نیست
و غرض مبالغه است در عدم استحقاق
آمرزش که اگر بالفرض در حال استحقاق
نیست والله اعلم

وَحَلُمْتَ عَنِّي بِتَفَضُّلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ نِعْمَتَكَ
عَلَيَّ وَلَمْ تُكَدِّرْ مَعْرُوفَكَ
عِنْدِي فَارْحَمْ طُولَ تَضَرُّعِي وَشِدَّةَ
مَسْكَنَتِي وَسُوءَ مَوْقِفِي اللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَقِنِي مِنَ الْمَعَاصِي
وَاسْتَعْمِلْنِي بِالطَّاعَةِ وَارْزُقْنِي حُسْنَ
الْإِنَابَةِ وَطَهِّرْنِي بِالتَّوْبَةِ وَأَيِّدْنِي
بِالْعِصْمَةِ وَاسْتَصْلِحْنِي بِالْعَافِيَةِ وَأَذِقْنِي
حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ وَاجْعَلْنِي طَلِيقَ
عَفْوِكَ وَعَتِيقَ رَحْمَتِكَ وَاكْتُبْ لِي

أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ وَبَشِّرْنِي بِذٰلِكَ

فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ بُشْرَى

أَعْرِفُهَا وَعَرِّفْنِي فِيهِ عَلَامَةً أَتَبَيَّنُهَا

إِنَّ ذٰلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُسْعِكَ

وَلَا يَتَكَأَّدُكَ فِي قُدْرَتِكَ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ

اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَغَاتِ

الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمَكَائِدِهِ وَ

وَمِنَ الثِّقَةِ بِأَمَانِيِّهِ وَمَوَاعِيدِهِ

وَغُرُورِهِ وَمَصَائِدِهِ وَأَنْ يُطْمِعَ

نفسه

نفسه فی اضلالنا عن طاعتك وامتهاننا

بمعصیتك او ان یحسن عندنا ما

حسّن لنا او ان یثقل علینا ما کرّه

الینا اللهم اخسأه عنا بعبادتك

واکبته بدؤبنا فی محبتك واجعل

بیننا وبینه ستراً لا یهتکه وردماً

لا یفتقه اللهم صل علی محمد وآله

واشغله عنا ببعض اعدائك واعصمنا

منه بحسن رعایتك واکفنا ختره

وولّنا ظهره واقطع عنا اثره اللهم

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْتِعْنَا مِنَ

الْهُدَى بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ وَزَوِّدْنَا مِنَ

یعنی آنقدر که او گمراهست ما را راه بنمای یا مراد اینست که آنقدر که گمراه میکند تو ما را راه بنما

التَّقْوَى ضِدَّ غَوَايَتِهِ وَاسْلُكْ بِنَا مِنَ

لیکن فقره بمنزله تاکید فقره سابق است

التُّقَى خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى اللَّهُمَّ

لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا مَدْخَلًا وَلَا

تُوطِنَنَّ لَهُ فِيمَا لَدَيْنَا مَنْزِلًا اللَّهُمَّ وَمَا

ولا توطن

سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَاهُ وَإِذَا

عَرَّفْتَنَاهُ فَقِنَاهُ وَبَصِّرْنَا مَا نُكَايِدُهُ

بِهِ وَأَلْهِمْنَا مَا نُعِدُّهُ لَهُ وَأَيْقِظْنَا

از برای دفع او و بیدار ساز ما را

عَنْ سِنَةِ الْغَفْلَةِ بِالرُّكُونِ

الى

اِلَيْهِ وَاَحْسِنْ بِتَوْفِيقِكَ عَوْنَنَا عَلَيْهِ

اَللّٰهُمَّ وَاَشْرِبْ قُلُوبَنَا اِنْكَارَ عَمَلِهِ وَالْطُفْ

لَنَا فِي نَقْضِ حِيَلِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

وَاٰلِهِ وَحَوِّلْ سُلْطَانَهُ عَنَّا وَاقْطَعْ رَجَاءَهُ

مِنَّا وَادْرَاْهُ عَنِ الْوُلُوعِ بِنَا اللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ اٰبَاءَنَا وَاُمَّهَاتِنَا

وَاَوْلَادَنَا وَاَهَالِيَنَا وَذَوِي اَرْحَامِنَا

وَقَرَابَاتِنَا وَجِيرَانَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي حِرْزٍ حَارِزٍ وَحِصْنٍ

حَافِظٍ وَكَهْفٍ مَانِعٍ وَاَلْبِسْهُمْ

يعني انكار كرده او در تمام دل جا كند
چنانكه آب در همه اعضا ميرود

مِنْهُ جُنَنًا وَاقِيَةً وَأَعْطِهِمْ عَلَيْهِ سَلْطَنَةً

مَاضِيَةً اللّٰهُمَّ وَعُمَّهُمْ بِذَلِكَ مَنْ

يعني انلره دعا ايله كردم ازبراي پدرلري و مادرلري

تَشْهَدُ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَأَخْلَصَ لَكَ

بِالْوَحْدَانِيَّةِ وَعَادَاهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ

الْعُبُودِيَّةِ وَاسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي

مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِيَّةِ اللّٰهُمَّ احْلُلْ

يعني علم بوجود و وحدانيت و صفات او و مانندلري

مَا عَقَدَ وَافْتُقْ مَا رَتَقَ وَافْسَخْ مَا دَبَّرَ

آنچه او كرده

وَثَبِّطْهُ إِذَا عَزَمَ وَانْقُضْ مَا أَبْرَمَ اللّٰهُمَّ

وَاهْزِمْ جُنْدَهُ وَأَبْطِلْ كَيْدَهُ وَاهْدِمْ

كَهْفَهُ وَأَرْغِمْ أَنْفَهُ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا

في

في نظم اعدائه واعزلنا عن عداد اوليائه

لا نطيع له اذا استهوانا ولا نستجيب له

اذا دعانا نامر بمناواته من اطاع امرنا

ونعظ عن متابعته من اتبع زجرنا

اللهم صل على محمد خاتم النبيين

وسيد المرسلين وعلى اهل بيته

الطيبين الطاهرين واعذنا واهالينا

واخواننا وجميع المؤمنين والمؤمنات

مما استعذنا منه واجرنا مما استجرنا

بك من خوفه واسمع لنا ما دعونا

وآله خ

خاتم بالكسر آخر النبيين وبالفتح زينة النبيين اخذ ذلك من الخاتم زينة للابسه

بِهِ وَاَعْطِنَا مَا اَغْفَلْنَاهُ وَاحْفَظْ لَنَا

مَا نَسِينَاهُ وَصَيِّرْنَا بِذَلِكَ فِي دَرَجَاتِ

الصَّالِحِينَ وَمَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ اٰمِينَ

رَبَّ الْعَالَمِينَ

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ

وَبِمَا صَرَفْتَ عَنِّي مِنْ بَلَائِكَ فَلَا تَجْعَلْ

حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عَجَّلْتَ لِي مِنْ

عَافِيَتِكَ فَاَكُونَ قَدْ شَقِيتُ

بِمَا اَحْبَبْتُ وَسَعِدَ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتُ

وار

وَاِنْ يَكُنْ مَا ظَلِلْتُ فِيهِ اَوْ بِتُّ فِيهِ

مِنْ هٰذِهِ الْعَافِيَةِ بَيْنَ يَدَيْ بَلَاۤءٍ لَا

يَنْقَطِعُ وَوِزْرٍ لَا يَرْتَفِعُ فَقَدِّمْ لِي مَا اَخَّرْتَ

وَاَخِّرْ عَنِّي مَا قَدَّمْتَ فَغَيْرُ كَثِيرٍ مَا عَاقِبَتُهُ

الْفَنَاۤءُ وَغَيْرُ قَلِيلٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْبَقَاۤءُ وَصَلِّ

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ وَانْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ

بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ

لِنَبَاتِ اَرْضِكَ الْمُونِقِ فِي جَمِيعِ الْاٰفَاقِ

وَامْنُنْ عَلَى عِبَادِكَ بِاِيْنَاعِ الثَّمَرَةِ وَاحْيِ

بِلَادَكَ بِبُلُوغِ الزَّهْرَةِ وَاشْهِدْ مَلَائِكَتَكَ

الْكِرَامَ السَّفَرَةَ بِسَقْيٍ مِنْكَ نَافِعٍ

دَائِمٍ غُزْرُهُ وَاسِعٍ دِرَرُهُ وَابِلٍ سَرِيعٍ

عَاجِلٍ تُحْيِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ وَتَرُدُّ بِهِ

مَا قَدْ فَاتَ وَتُخْرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ

وَتُوَسِّعُ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ سَحَابًا مُتَرَاكِمًا

هَنِيئًا مَرِيئًا طَبَقًا مُجَلْجَلًا غَيْرَ مُلِثٍّ

وَدْقُهُ وَلَا خُلَّبٍ بَرْقُهُ اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا

غَيْثًا مُغِيثًا مَرِيعًا مُمْرِعًا عَرِيضًا وَاسِعًا

غَزيراً تَرُدُّ بِهِ النَّهيضَ وَتَجبُرُ بِهِ المَهيضَ اللّهُمَّ
اسقِنا سَقياً تُسيلُ مِنهُ الظِّرابَ وَتَملأُ
مِنهُ الجِبابَ وَتُفَجِّرُ بِهِ الأَنهارَ وَتُنبِتُ
بِهِ الأَشجارَ وَتُرخِصُ بِهِ الأَسعارَ في
جَميعِ الأَمصارِ وَتَنعَشُ بِهِ البَهائِمَ وَالخَلقَ
وَتُكمِلُ لَنا بِهِ طَيِّباتِ الرِّزقِ
وَتُنبِتُ لَنا بِهِ الزَّرعَ وَتُدِرُّ بِهِ الضَّرعَ
وَتَزيدُنا بِهِ قُوَّةً إِلى قُوَّتِنا اللّهُمَّ لا
تَجعَل ظِلَّهُ عَلَينا سَموماً وَلا تَجعَل
بَردَهُ عَلَينا حُسوماً وَلا تَجعَل صَوبَهُ

یعنی گیاهان اینکه به سبب آب
و تشنگی افتاده اند تا بحال خود
باز کردند یا گیاهان راست ایستاده
که در سالهای دیگر میبوده اند
امسال باز بر و یا...

رجوم چیزهاییست که برسر کسی بزنند از سنگ و تیر و مانند آن

عَلَيْنا رُجُوماً وَلاَ تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنا اُجاجاً

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ٥

وَارْزُقْنا مِنْ بَرَكاتِ السَّمٰواتِ

وَالاَرْضِ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

[illegible]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلِّغْ ٥

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و ال او و برسان

بِاِيمانِي اَكْمَلَ الاِيمانِ وَاجْعَلْ

يَقِينِي اَفْضَلَ اليَقِينِ وَانْتَهِ بِنِيَّتِي

اِلىٰ اَحْسَنِ النِّيّاتِ وَبِعَمَلِي اِلىٰ اَحْسَنِ

الاَعْمالِ اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نِيَّتِي

و برسان بقیت نیتهای من و خاتمه اعمال من [illegible] و عمل مرا که بهترین نیتها و عملها [illegible] نیت و عمل مرا [illegible] برسان که بهترین نیتها و عملها باشد

وصحح

وَصَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ

مَا فَسَدَ مِنِّي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَاكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الِاهْتِمَامُ بِهِ

وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي غَدًا عَنْهُ وَاسْتَفْرِغْ

أَيَّامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ وَأَغْنِنِي وَأَوْسِعْ

عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ وَلَا تَفْتِنِّي بِالنَّظَرِ وَأَعِزَّنِي

وَلَا تَبْتَلِيَنِّي بِالْكِبْرِ وَعَبِّدْنِي لَكَ

وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ وَأَجْرِ

لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيَّ الْخَيْرَ وَلَا تَمْحَقْهُ

بِالْمَنِّ وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ

وَاعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ
دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا
وَلَا تُحْدِثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحْدَثْتَ
لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَمَتِّعْنِي بِهُدًى صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ
وَطَرِيقَةِ حَقٍّ لَا أَزِيغُ عَنْهَا وَنِيَّةِ
رُشْدٍ لَا أَشُكُّ فِيهَا وَعَمِّرْنِي مَا كَانَ
عُمْرِي بِذْلَةً فِي طَاعَتِكَ فَإِذَا كَانَ

عمري

عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي

إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتُكَ إِلَيَّ أَوْ

يَسْتَحْكِمَ غَضَبُكَ عَلَيَّ اللّٰهُمَّ

لَا تَدَعْ خَصْلَةً تُعَابُ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتَهَا

وَلَا عَائِبَةً أُؤَنَّبُ بِهَا إِلَّا حَسَّنْتَهَا وَلَا

أُكْرُومَةً فِيَّ نَاقِصَةً إِلَّا أَتْمَمْتَهَا

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَبْدِلْنِي مِنْ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بِغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَآنِ الْمَحَبَّةَ وَمِنْ

حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ وَمِنْ ظِنَّةِ

نين

أَهْلِ الصَّلَاحِ الثِّقَةَ وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْ

الْوِلَايَةَ وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ ٥

الْمَبَرَّةَ وَمِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النُّصْرَةَ

وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِينَ تَصْحِيحَ الْمِقَةِ وَمِنْ

رَدِّ الْمُلَابِسِينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ وَمِنْ

مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمَنَةِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ

لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَلِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي

وَظَفَرًا بِمَنْ عَانَدَنِي وَهَبْ لِي مَكْرًا

عَلَى مَنْ كَايَدَنِي وَقُدْرَةً عَلَى مَنِ اضْطَهَدَنِي

وَتَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي وَسَلَامَةً

مِمَّنْ

بعض سلوک بد با مصاحبان کردن واشان را راندن از پیش خود بدل گیر بسلوک خوب با ایشان کردن و معاشرت نیکو کردن

مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي وَ وَفِّقْنِي لِطَاعَةِ مَنْ

سَدَّدَنِي وَمُتَابَعَةِ مَنْ اَرْشَدَنِي

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَدِّدْنِي

لِاَنْ اُعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ وَاَجْزِيَ

مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ وَاُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي

بِالْبَذْلِ وَاُكَافِيَ مَنْ قَطَعَنِي بِالصِّلَةِ

وَاُخَالِفَ مَنِ اغْتَابَنِي اِلٰى حُسْنِ الذِّكْرِ

وَاَنْ اَشْكُرَ الْحَسَنَةَ وَاُغْضِيَ عَنِ

السَّيِّئَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَحَلِّنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ وَاَلْبِسْنِي

یعنی که با هر غش و رزد و نفاق
کند با وی خالص و بی نفاق و بند
د منده باشم

زِينَةِ الْمُتَّقِينَ فِي بَسْطِ الْعَدْلِ وَكَظْمِ

الْغَيْظِ وَاِطْفَاءِ النَّائِرَةِ وَضَمِّ اَهْلِ

الْفُرْقَةِ وَاِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ وَاِفْشَاءِ

الْعَارِفَةِ وَسَتْرِ الْعَائِبَةِ وَلِينِ الْعَرِيكَةِ

وَخَفْضِ الْجَنَاحِ وَحُسْنِ السِّيرَةِ وَسُكُونِ

الرِّيحِ وَطِيبِ الْمُخَالَقَةِ وَالسَّبْقِ اِلَى الْفَضِيلَةِ

وَاِيثَارِ التَّفَضُّلِ وَتَرْكِ التَّعْيِيرِ وَالْاِفْضَالِ

عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَاِنْ

عَزَّ وَاسْتِقْلَالِ الْخَيْرِ وَاِنْ كَثُرَ

مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي وَاسْتِكْثَارِ الشَّرِّ

وان

بياز صفت صالحان وزينت پرهيزكاران است

يعني دشمن هم باشند و با هم الفت نداشته باشند

يعني متواضع بود و تكبر نداشته

[illegible] افضال كنند بر غير مستحق [illegible] افضال كنند

يعني هرچند خير بسيار بكويم و بكنم آنرا بسيار نشمارم و خود بين نكنم

وَاِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِى وَفِعْلِى وَاَكْمِلْ

ذٰلِكَ لِى بِدَوَامِ الطَّاعَةِ وَلُزُومِ الْجَمَاعَةِ

وَرَفْضِ اَهْلِ الْبِدَعِ وَمُسْتَعْمِلِ الرَّاْىِ

الْمُخْتَرَعِ وَمُسْتَحِيلِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

اختراع

وَاٰلِهِ وَاجْعَلْ اَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَىَّ اِذَا

كَبِرْتُ وَاَقْوٰى قُوَّتِكَ فِىَّ اِذَا

پیر شوم

نَصِبْتُ وَلَا تَبْتَلِيَنِّى بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ

وَلَا الْعَمٰى عَنْ سَبِيلِكَ وَلَا بِالتَّعَرُّضِ

لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ وَلَا مُجَامَعَةِ مَنْ

تَفَرَّقَ عَنْكَ وَلَا مُفَارَقَةِ مَنِ اجْتَمَعَ

إِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی أَصُولُ بِكَ عِنْدَ

الضَّرُورَةِ وَأَسْئَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ

وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَسْكَنَةِ وَلَا تَفْتِنِّی

بِالْاِسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطُرِرْتُ

وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ

وَلَا بِالتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونَكَ إِذَا رَهِبْتُ — دهشت خ

فَأَسْتَحِقَّ بِذٰلِكَ خِذْلَانَكَ وَمَنْعَكَ

وَإِعْرَاضَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِی الشَّيْطَانُ فِی رُوعِی

مِنَ التَّمَنِّی وَالتَّظَنِّی وَالْحَسَدِ ذِكْرًا

لعظمتك

لِعَظَمَتِكَ وَ تَفَكُّراً فِي قُدْرَتِكَ وَتَدْبِيراً
عَلَى عَدُوِّكَ وَمَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ
لَفْظَةِ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَتْمِ عِرْضٍ
أَوْ شَهَادَةِ بَاطِلٍ أَوِ اغْتِيَابِ مُؤْمِنٍ
غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ
نُطْقاً بِالْحَمْدِ لَكَ وَإِغْرَاقاً فِي الثَّنَاءِ
عَلَيْكَ وَذَهَاباً فِي تَمْجِيدِكَ وَشُكْراً
لِنِعْمَتِكَ وَاعْتِرَافاً بِإِحْسَانِكَ وَإِحْصَاءً
لِمِنَنِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَلَا أُظْلَمَنَّ وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي

ممکنست که این فقره بعنوان دعا باشد
یعنی خداوندا ستم دیده نمیشوم
و یا آنکه خبر باشد یعنی خداوندا ستم
دیده نمیشوم حال آنکه توانائی
و همچنین ... بعد از این تا ...
این دو احتمال دارد

ولا أُظلمنّ وأنت القادر على القبض منّي

ولا أُضلّنّ وقد أمكنك هدايتي

ولا أفتقرنّ ومن عندك وُسعي

ولا أطغينّ ومن عندك وُجدي

اللهمّ إلى مغفرتك وفدت وإلى

عفوك قصدت وإلى تجاوزك

اشتقت وبفضلك وثقت وليس

عندي ما يوجب لي مغفرتك ولا

في عملي ما أستحقّ به عفوك ومالي

بعد أن حكمت على نفسي إلّا فضلك

یعنی بعد از اینکه من اعتراف کنم و حکم
بر خود با این گناهان ثبت دیگر
که از برای من باشد و یاری من
کند مگر فضل تو

هل

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ

اللّٰهُمَّ وَأَنْطِقْنِي بِالْهُدٰى وَأَلْهِمْنِي

التَّقْوٰى وَوَفِّقْنِي لِلَّتِي هِيَ أَزْكٰى وَاسْتَعْمِلْنِي

بِمَا هُوَ أَرْضٰى اللّٰهُمَّ اسْلُكْ بِيَ الطَّرِيقَةَ

الْمُثْلٰى وَاجْعَلْنِي عَلٰى مِلَّتِكَ أَمُوتُ وَأَحْيٰى

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَمَتِّعْنِي

خداوندا رحمت بفر

بِالْاِقْتِصَادِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّدَادِ

وَمِنْ أَدِلَّةِ الرَّشَادِ وَمِنْ صَالِحِي الْعِبَادِ

وَارْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ وَسَلَامَةَ الْمِرْصَادِ

اللّٰهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا

يُخَلِّصُهَا وَأَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا

فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعْصِمَهَا اللّٰهُمَّ أَنْتَ

عُدَّتِي إِنْ حَزِنْتُ وَأَنْتَ مُنْتَجَعِي إِنْ حُرِمْتُ

وَبِكَ اسْتِغَاثَتِي إِنْ كُرِثْتُ وَعِنْدَكَ مِمَّا

فَاتَ خَلَفٌ وَلِمَا فَسَدَ صَلَاحٌ وَفِيمَا أَنْكَرْتَ

تَغْيِيرٌ فَامْنُنْ عَلَيَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ

وَقَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَةِ وَقَبْلَ الضَّلَالِ

بِالرَّشَادِ وَاكْفِنِي مَؤُونَةَ مَعَرَّةِ

الْعِبَادِ وَهَبْ لِي أَمْنَ يَوْمِ الْمَعَادِ وَامْنَحْنِي

حُسْنَ الْإِرْشَادِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ وَادْرَأْ عَنِّي بِلُطْفِكَ وَاغْذُنِي بِنِعْمَتِكَ

وَاَصْلِحْنِي بِكَرَمِكَ وَدَاوِنِي بِصُنْعِكَ

وَاَظِلَّنِي فِي ذَرَاكَ وَجَلِّلْنِي رِضَاكَ

وَوَفِّقْنِي اِذَا اشْتَكَلَتْ عَلَيَّ الْاُمُورُ لِاَهْدَاهَا

وَاِذَا تَشَابَهَتِ الْاَعْمَالُ لِاَزْكَاهَا وَاِذَا

تَنَاقَضَتِ الْمِلَلُ لِاَرْضَاهَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَوِّجْنِي بِالْكِفَايَةِ

وَسُمْنِي حُسْنَ الْوِلَايَةِ وَهَبْ لِي صِدْقَ

الْهِدَايَةِ وَلَا تَفْتِنِّي بِالسَّعَةِ وَامْنَحْنِي

حُسْنَ الدَّعَةِ وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي

ولایت بکسر واو مالک تدبیر و تصرف
در امور بودن است و بفتح واو
دوستی و یاری کردن است

كَدًّا كَدًّا وَلَا تَرُدَّ دُعَآئِي عَلَيْكَ عَلَى رَدِّ آفَاتِي

لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا وَلَا أَدْعُو مَعَكَ

نِدًّا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنَعْنِي

مِنَ السَّرَفِ وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلَفِ

وَوَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبَرَكَةِ فِيهِ وَأَصِبْ

بِي سَبِيلَ الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أُنْفِقُ مِنْهُ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي

مَؤُونَةَ الْاِكْتِسَابِ وَارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ

احْتِسَابٍ فَلَا أَشْتَغِلَ عَنْ عِبَادَتِكَ

بِالطَّلَبِ وَلَا أَحْتَمِلَ إِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ

اَللّٰهُمَّ

اللهم فاطلبني بقدرتك ما أطلب

وأجرني بعزتك مما أرهب اللهم

صل على محمد وآله وصن وجهي

باليسار ولا تبتذل جاهي بالإقتار

فأسترزق أهل رزقك وأستعطي

شرار خلقك فأفتتن بحمد من أعطاني

وأبتلى بذم من منعني وأنت من

دونهم ولي الإعطاء والمنع اللهم

صل على محمد وآله وارزقني صحة

في عبادة وفراغا في زهادة وعلما

فِي اسْتِعْمَالٍ وَوَرَعاً فِي إِجْمَالٍ اللّٰهُمَّ

اخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجَلِي وَحَقِّقْ فِي رَجَاءِ

رَحْمَتِكَ أَمَلِي وَسَهِّلْ إِلَى بُلُوغِ رِضَاكَ

سُبُلِي وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَنَبِّهْنِي

لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ

وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ

وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلاً سَهْلَةً

وَأَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

یعنی امید کرده ام برحمة تو درست شود

یعنی مهلت از شغلها یا از بیماریها یا اجل است

وآله

وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ
مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ وَأَنْتَ مُصَلٍّ عَلَى
أَحَدٍ بَعْدَهُ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ
عَذَابَ النَّارِ

آمين رب العالمين

اَللّٰهُمَّ يَا كَافِيَ
الْفَرْدِ الضَّعِيفِ وَوَاقِيَ الْأَمْرِ
ونگاه دارنده چيز
الْمَخُوفِ أَفْرَدَتْنِي الْخَطَايَا فَلَا صَاحِبَ
مَعِي وَضَعُفْتُ عَنْ غَضَبِكَ فَلَا
مُؤَيِّدَ لِي وَأَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفِ لِقَائِكَ

فلا مسكن لروعتي ومن يؤمنني
منك وانت اخفتني ومن يساعدني
وانت افردتني ومن يقويني وانت
اضعفتني لا يجير يا الهي الا رب على
مربوب ولا يؤمن الا غالب على مغلوب
ولا يعين الا طالب على مطلوب
وبيدك يا الهي جميع ذلك السبب
واليك المفر والمهرب فصل على
محمد وآله واجر هربي
وانجح مطلبي اللهم انك ان صرفت

عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ اَوْ مَنَعْتَنِي

فَضْلَكَ الْجَسِيمَ اَوْ حَظَرْتَ عَلَيَّ رِزْقَكَ

اَوْ قَطَعْتَ عَنِّي سَبَبَكَ لَمْ اَجِدِ السَّبِيلَ

اِلَى شَيْءٍ مِنْ اَمَلِي غَيْرَكَ وَلَمْ اَقْدِرْ

عَلَى مَا عِنْدَكَ بِمَعُونَةِ سِوَاكَ فَاِنِّي

عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ نَاصِيَتِي

بِيَدِكَ لَا اَمْرَ لِي مَعَ اَمْرِكَ مَاضٍ

فِيَّ حُكْمُكَ عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ

وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ

وَلَا اَسْتَطِيعُ مُجَاوَزَةَ قُدْرَتِكَ وَلَا

بغیر راهی بسوی آرزوها بغیر از تو

وَلا أَسْتَمِيلُ هَوَاكَ وَلا أَبْلُغُ رِضَاكَ وَلا

أَنَالُ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَبِفَضْلِ

رَحْمَتِكَ إِلٰهِي أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ عَبْدًا

دَاخِرًا لَكَ لا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلا ضَرًّا

إِلَّا بِكَ أَشْهَدُ بِذٰلِكَ عَلَى نَفْسِي وَأَعْتَرِفُ

بِضَعْفِ قُوَّتِي وَقِلَّةِ حِيلَتِي فَأَنْجِزْ لِي

مَا وَعَدْتَنِي وَتَمِّمْ لِي مَا آتَيْتَنِي فَإِنِّي

عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ

الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الْحَقِيرُ الْمَهِينُ

خوار بی اعتبار

الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ اللّٰهُمَّ

صلّ



صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَجْعَلْنِي

نَاسِيًا لِذِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي وَلَا

غَافِلًا لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَبْلَيْتَنِي وَلَا

آيِسًا مِنْ إِجَابَتِكَ لِي وَإِنْ أَبْطَأَتْ

عَنِّي فِي سَرَّاءَ كُنْتُ أَوْ ضَرَّاءَ أَوْ شِدَّةٍ

أَوْ رَخَاءٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَلَاءٍ أَوْ نَعْمَاءَ أَوْ

جِدَةٍ أَوْ لَأْوَاءَ أَوْ فَقْرٍ أَوْ غِنًى اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ ثَنَائِي

عَلَيْكَ وَمَدْحِي إِيَّاكَ وَحَمْدِي لَكَ

فِي كُلِّ حَالَاتِي حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي

ن الدنيا ولا احزن على ما منعتني فيها

ولا احزن على منعتني فيها واشعر

قلبي تقواك واستعمل بدني فيما تقبله

یعنی تقوی را لباس ساز از برای دل من

مني واشغل بطاعتك نفسي عن

كل ما يرد علي حتى لا احب شيئا من

سخطك ولا اسخط شيئا من رضاك

اللهم صل على محمد واله وفرغ

قلبي لمحبتك واشغله بذكرك

وانعشه بخوفك وبالوجل منك

وقوه بالرغبة اليك وامله الى

طاعتك

طَاعَتِكَ وَاَجْرِبِهِ فِي اَحَبِّ السُّبُلِ اِلَيْكَ

وَ ذَلِّلْهُ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ اَيَّامَ حَيوتِي

كُلَّهَا وَاجْعَلْ تَقْوٰيكَ مِنَ الدُّنْيَا

زَادِي وَاِلَى رَحْمَتِكَ رِحْلَتِي وَفِي مَرْضَاتِكَ

وَاجْعَلْ لِي جَنَّتِكَ مَثْوَايَ وَهَبْ لِي

قُوَّةً اَحْتَمِلُ بِهَا جَمِيعَ مَرْضَاتِكَ وَاجْعَلْ

فِرَارِي اِلَيْكَ وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ

وَاَلْبِسْ قَلْبِيَ الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ

وَهَبْ لِيَ الْاُنْسَ بِكَ وَبِاَوْلِيَائِكَ

وَاَهْلِ طَاعَتِكَ وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ

وَلَا لِكَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً وَلَا لَهُ عِنْدِي يَدًا

وَلَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةً بَلِ اجْعَلْ سُكُونَ

قَلْبِي وَأُنْسَ نَفْسِي وَاسْتِغْنَائِي وَكِفَايَتِي

بِكَ وَبِخِيَارِ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا

وَاجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا وَامْنُنْ عَلَيَّ

بِشَوْقٍ إِلَيْكَ وَبِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَذَلِكَ عَلَيْكَ

يَسِيرٌ

اللهم

اللهم انك كلفتني من نفسي
ما انت املك به مني وقدرتك عليه
وعلى اغلب من قدرتي فاعطني
من نفسي ما يرضيك عني وتأخذ
لنفسك رضاها من نفسي في عافية
اللهم لا طاقة لي بالجهد ولا صبر
لي على البلاء ولا قوة لي على الفقر
فلا تحظر على رزقي ولا تكلني
الى خلقك بل تفرد بحاجتي وتول
كفايتي وانظر الي وانظر لي

و بگیر از نفس من رضای نفس خود را
یعنی نفس مرا بکاری بدار که رضای تو
در آن باشد و من در حالت عافیت باشم
نه بلا و تعب

فِي جَمِيعِ أُمُورِي فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي

إِلَى نَفْسِي عَجَزَتْ عَنْهَا وَلَمْ أُقِمْ مَا

فِيهِ مَصْلَحَتُهَا وَإِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى

خَلْقِكَ تَجَهَّمُونِي وَإِنْ أَلْجَأْتَنِي

إِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي وَإِنْ أَعْطَوْا

أَعْطَوْا قَلِيلًا نَكِدًا وَمَنُّوا

عَلَيَّ طَوِيلًا وَذَمُّوا كَثِيرًا فَبِفَضْلِكَ

اللَّهُمَّ فَأَغْنِنِي وَبِعَظَمَتِكَ فَانْعَشْنِي

وَبِسَعَتِكَ فَابْسُطْ يَدِي وَبِمَا عِنْدَكَ

فَاكْفِنِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وآله

۱۰۳

وَآلِهِ وَخَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ وَاحْصُرْنِي

عَنِ الذُّنُوبِ وَوَرِّعْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ

وَلَا تُجَرِّئْنِي عَلَى الْمَعَاصِي وَاجْعَلْ

هَوَايَ عِنْدَكَ وَرِضَايَ فِيمَا يَرِدُ عَلَيَّ

مِنْكَ وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَفِيمَا

خَوَّلْتَنِي وَفِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَاجْعَلْنِي

فِي كُلِّ حَالَاتِي مَحْفُوظًا مَكْلُوءًا

مَسْتُورًا مَمْنُوعًا مُعَاذًا مُجَارًا اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاقْضِ عَنِّي كُلَّمَا

أَلْزَمْتَنِيهِ وَفَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي

وَجْهٍ مِنْ وُجُوهِ طَاعَتِكَ اَوْ الْخَلْقِ

مِنْ خَلْقِكَ وَاِنْ ضَعُفَ عَنْ ذٰلِكَ

بَدَنِي وَ وَهَنَتْ قُوَّتِي وَلَمْ تَنَلْهُ عَنْهُ

مَقْدُرَتِي وَلَمْ يَسَعْهُ مَالِي وَلَا

ذَاتُ يَدِي ذَكَرْتُهُ اَوْ نَسِيتُهُ

هُوَ يَا رَبِّ مِمَّا قَدْ اَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ

وَاَغْفَلْتُهُ اَنَا مِنْ نَفْسِي فَاَدِّهِ عَنِّي

مِنْ جَزِيلِ عَطِيَّتِكَ وَكَثِيرِ مَا عِنْدَكَ

فَاِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ حَتَّى لَا يَبْقَى

عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ اَنْ تُقَاصَّنِي

زاید

بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي أَوْ تُضَاعِفُ بِهِ مِنْ

سَيِّئَاتِي يَوْمَ أَلْقَاكَ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي

بر محمد وآل او و روزی کن

الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَ

ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي وَحَتَّى يَكُونَ

اینمعنی را از دل خود و تا آنکه بوده باشد

الْغَالِبُ عَلَيَّ الزُّهْدَ فِي دُنْيَايَ وَحَتَّى

... و تا آنکه

أَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقاً وَآمَنَ مِنَ

السَّيِّئَاتِ فَرَقاً وَخَوْفاً وَهَبْ لِي نُوراً

سیئات از ترس و خوف و ببخش مرا نوری

أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وَأَهْتَدِي بِهِ

فِي الظُّلُمَاتِ وَأَسْتَضِيءُ بِهِ مِنَ الشَّكِّ

ظاهرا مراد از نور علم است و مراد از مردم یا مردم حقیقت است که علمای ربانی باشند یعنی علم بده مرا که در میانه ایشان علما بآن علم راه روم یا مطلق مردم است یعنی علمی بده که مصحح ... خود را از ... در میان مردم سلوک کرده و مراد ... آن نوشته است ... دو نسخه

وَالشُّبُهَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

وَاٰلِهٖ وَارْزُقْنِى خَوْفَ غَمِّ الْوَعِيدِ

وَشَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ حَتّٰى اَجِدَ لَذَّةَ

مَا اَدْعُوكَ لَهُ وَكَاٰبَةَ مَا اَسْتَجِيرُ

بِكَ مِنْهُ اَللّٰهُمَّ قَدْ تَعْلَمُ مَا يُصْلِحُنِى

مِنْ اَمْرِ دُنْيَاىَ وَاٰخِرَتِى فَكُنْ بِحَوَائِجِى

حَفِيًّا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

وَارْزُقْنِى الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِى فِى الشُّكْرِ

لَكَ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَىَّ فِى الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ

وَالصِّحَّةِ وَالسَّقَمِ حَتّٰى اَتَعَرَّفَ

مِنْ نَفْسِى

مِن نَفسِى رَوحَ الرِّضا وَطُمَأنِينَةَ النَّفسِ

مِنّى بِما يَجِبُ لَكَ فِيما يَحدُثُ فى حالِ

الخَوفِ وَالأَمنِ وَالرِّضا وَالسَّخَطِ وَالضَّرِّ

وَالنَّفعِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَارزُقنى سَلامَةَ الصَّدرِ مِنَ الحَسَدِ

حَتّى لا اَحسُدَ اَحَداً مِن خَلقِكَ عَلى شَىءٍ

مِن فَضلِكَ وَحَتّى لا اَرى نِعمَةً مِن

نِعَمِكَ عَلى اَحَدٍ مِن خَلقِكَ فى دِينٍ

اَو دُنيا اَو عافِيَةٍ اَو تَقوى اَو سَعَةٍ اَو

رَخاءٍ اِلّا رَجَوتُ لِنَفسى اَفضَلَ ذلِكَ بِكَ

وَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَايَا

وَالِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

یعنی لغزش‌ها اگر سبب امور دنیا باشد یا لغزش‌ها اگر سبب امور آخرت بوده

حَتَّى أَكُونَ

فِي حَالِ الرِّضَا وَالْغَضَبِ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا

یعنی بنزد من دو [illegible] از امور دنیا و آخرة یا از آنچه باعث رضا و باعث غضب است هر دو پیش من یکسان باشد

بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ عَامِلًا بِطَاعَتِكَ مُؤْثِرًا

لِرِضَاكَ عَلَى مَا سِوَاهُمَا فِي الْأَوْلِيَاءِ ۝

وَالْأَعْدَاءِ حَتَّى يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظُلْمِي

یعنی در امور باطله که حق با ایشان [illegible] دوست نباشم

وَجَوْرِي وَيَيْأَسَ وَلِيِّي مِنْ مَيْلِي ۝

وَانْحِطَاطِ هَوَايَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ

مُخْلِصًا فِي الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَرِ

لَكَ فِي الدُّعَاءِ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَلْبِسْنِي

عَافِيَتَكَ وَجَلِّلْنِي عَافِيَتَكَ وَحَصِّنِّي

بِعَافِيَتِكَ وَأَكْرِمْنِي بِعَافِيَتِكَ

وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ وَهَبْ لِي عَافِيَتَكَ

وَأَفْرِشْنِي عَافِيَتَكَ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ

عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً

شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً عَافِيَةً تُوَلِّدُ فِي

وَأَغْنِنِي بِعَافِيَتِكَ صح

وَأَصْلِحْ لِي عَافِيَتَكَ صح

بَدَنِي الْعَافِيَةَ عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ

فِي دِينِي وَبَدَنِي وَالْبَصِيرَةِ فِي قَلْبِي

وَالنَّفَاذِ فِي أُمُورِي وَالْخَشْيَةِ لَكَ

وَالْخَوْفِ مِنْكَ وَالْقُوَّةِ عَلَى مَا أَمَرْتَنِي

بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ وَالْاِجْتِنَابِ لِمَا

نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ اللَّهُمَّ

وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ وَزِيَارَةِ

قَبْرِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ

وَبَرَكَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَآلِ رَسُولِكَ

عليه السلام

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي فِي عَامِي

هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَاجْعَلْ ذٰلِكَ

مَقْبُولًا مَشْكُورًا مَذْكُورًا لَدَيْكَ مَذْخُورًا

عِنْدَكَ وَاَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ

وَذِكْرِكَ وَحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ

لِسَانِي وَاشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِينِكَ قَلْبِي

وَاَعِذْنِي وَذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

وَمِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ وَالْعَامَّةِ

وَاللَّامَّةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ

مَرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ

عنيد يعني حق را داند و مخالفت آن كند

ومن شرّ كلّ مترفٍ حفيدٍ ومن شرّ

حفید بعضی بسیار تنعم کننده که و شتابنده بخدمت اوستادان

كلّ ضعيفٍ وشديدٍ ومن شرّ

كلّ شريفٍ ووضيعٍ ومن شرّ

كلّ صغيرٍ وكبيرٍ ومن شرّ

كلّ قريبٍ وبعيدٍ ومن شرّ كلّ من

نصب لرسولك ولأهل بيته حربًا

من الجنّ والإنس ومن شرّ كلّ

دابّةٍ أنت آخذٌ بناصيتها إنّك على

ناصیه موی پیش سرست و گرفته شده آن کنایه است از

صراطٍ مستقيمٍ اللّهمّ صلّ على محمّدٍ

بعضی تو برا دعد ... که از دست بدوزند و از پیش تو بدر بلیره که سم کنندگان

وآله ومن أرادني بسوءٍ فاصرفه

عَنِّي وَادْحَرْ عَنِّي مَكْرَهُ وَادْرَأْ عَنِّي

شَرَّهُ وَرُدَّ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ وَاجْعَلْ

بَيْنَ يَدَيْهِ سَدًّا حَتَّى تُعْمِيَ عَنِّي بَصَرَهُ وَمِنْ خَلْفِهِ سَدًّا

وَتُصِمَّ عَنْ ذِكْرِي سَمْعَهُ

وَتُقْفِلَ دُونَ إِخْطَارِي قَلْبَهُ

وَتُخْرِسَ عَنِّي لِسَانَهُ وَتَقْمَعَ رَأْسَهُ

وَتُذِلَّ عِزَّهُ وَتَكْسِرَ جَبَرُوتَهُ وَتُذِلَّ

رَقَبَتَهُ وَتَفْسَخَ كِبْرَهُ وَتُؤْمِنَنِي

مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَشَرِّهِ وَغَمْزِهِ ٥

وَهَمْزِهِ وَلَمْزِهِ وَحَسَدِهِ وَعَدَاوَتِهِ

وَحبائِلِهِ وَمصائِدِهِ وَرجلِهِ وَخيلِه

اِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى

مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَاَهلِ

بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَاخْصُصْهُمْ

بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ

وَسَلَامِكَ وَاخْصُصْنِي اللّٰهُمَّ وَالِدَيَّ

بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ وَالصَّلَوةِ

مِنْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَلْهِمْنِي عِلْمَ مَا

يَجِبُ

يَجِبُ لَهُمَا عَلَيَّ إِلْهَامًا وَاجْمَعْ لِي عِلْمَ

ذَلِكَ ذَلِكَ كُلِّهِ تَمَامًا ثُمَّ اسْتَعْمِلْنِي

بِمَا تُلْهِمُنِي مِنْهُ وَوَفِّقْنِي لِلنُّفُوذِ

فِيمَا تُبَصِّرُنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى لَا يَفُوتَنِي

اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عَلَّمْتَنِيهِ وَلَا تَثْقُلَ

أَرْكَانِي عَنِ الْحُفُوفِ فِيمَا أَلْهَمْتَنِيهِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا

شَرَّفْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

كَمَا أَوْجَبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَا ن

العَسُوفِ وَأَبَرُّهُمَا بِرَّ الأُمِّ الرَّؤُوفِ وَاجْعَلْ

طَاعَتِي لِوَالِدَيَّ وَبِرِّي بِهِمَا أَقَرَّ

لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الوَسْنَانِ وَأَثْلَجَ

لِصَدْرِي مِنْ شَرْبَةِ الظَّمْآنِ حَتَّى

أُوثِرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا وَأُقَدِّمَ

عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا وَأَسْتَكْثِرَ بِرَّهُمَا

بِي وَإِنْ قَلَّ وَأَسْتَقِلَّ بِرِّي بِهِمَا ه

وَإِنْ كَثُرَ اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا

صَوْتِي وَأَطِبْ لَهُمَا كَلَامِي وَأَلِنْ

لَهُمَا عَرِيكَتِي وَاعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي

وَصَيِّرْنِي

یعنی دوستر داشته باشم از دوست داشتن وسنان خواب را

وسنان کیست که او را به پینکی گرفته باشند

وَصَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا وَعَلَيْهِمَا شَفِيقًا

وبگردان مرا بایشان ملایمت کننده و برایشان مهربان

اَللّٰهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَتِي وَأَثِبْهُمَا

عَلَى تَكْرِمَتِي وَاحْفَظْ لَهُمَا مَا

حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صِغَرِي اَللّٰهُمَّ وَمَا

مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَذًى أَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا

عَنِّي مِنْ مَكْرُوهٍ أَوْ ضَاعَ قِبَلِي لَهُمَا مِنْ

حَقٍّ فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِذُنُوبِهِمَا وَعُلُوًّا

فِي دَرَجَاتِهِمَا وَزِيَادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا يَا

مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ

بگرداننده بدیها بچندین برابر از

الْحَسَنَاتِ اَللّٰهُمَّ وَمَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ

مِنْ قَوْلٍ اَوْ اَسْرَفَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ

اَوْ اَسْرَفَا عَلَيَّ مِنْ فِعْلٍ اَوْ ضَيَّعَاهُ لِي

مِنْ حَقٍّ اَوْ قَصَّرَا بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ

فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا وَجُدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا

وَرَغِبْتُ اِلَيْكَ فِي وَضْعِ تَبِعَتِهِ عَنْهُمَا

فَاِنِّي لَا اَتَّهِمُهُمَا عَلَى نَفْسِي وَلَا اَسْتَبْطِئُهُمَا

فِي بِرِّي وَلَا اَكْرَهُ مَا تَوَلَّيَاهُ مِنْ اَمْرِي

يَا رَبِّ فَهُمَا اَوْجَبُ حَقًّا عَلَيَّ وَاَقْدَمُ

اِحْسَانًا اِلَيَّ وَاَعْظَمُ مِنَّةً لَدَيَّ مِنْ

اَنْ اُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ اَوْ اُجَازِيَهُمَا عَلَى

مِثْلٍ اَيْنَ

یعنی از برای رغبت بسوی تو و رضای تو
وبال آنرا از ایشان انداختم یا اینکه
توجه بجانب تو کردم از برای طلب انداختن
لزوم وبال از ایشان

مِثْلِ اَيْنَ اِذًا يَا اِلٰهِي طُولُ شُغْلِهِمَا بِتَرْبِيَتِي

وَاَيْنَ شِدَّةُ تَعَبِهِمَا فِي حِرَاسَتِي وَاَيْنَ

اِقْتَارُهُمَا عَلَى اَنْفُسِهِمَا لِلتَّوْسِعَةِ عَلَيَّ

هَيْهَاتَ مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهُمَا

وَلَا اُدْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَهُمَا وَلَا اَنَا

بِقَاضٍ وَظِيفَةَ خِدْمَتِهِمَا فَصَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَعِنِّي يَا خَيْرَ مَنِ

اسْتُعِينَ بِهِ وَوَفِّقْنِي يَا اَهْدَى

مَنْ رُغِبَ اِلَيْهِ وَلَا تَجْعَلْنِي فِي اَهْلِ

الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَالْاُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ

وَاخْصُصْ أَبَوَيَّ بِأَفْضَلِ مَا خَصَصْتَ

بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَأُمَّهَاتِهِمْ

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ لَا تُنْسِنِي

ذِكْرَهُمَا فِي أَدْبَارِ صَلَوَاتِي وَفِي

إِنًا مِنْ آنَاءِ لَيْلِي وَفِي سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ

نَهَارِي اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَاغْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا وَاغْفِرْ لَهُمَا

بِبِرِّهِمَا بِي مَغْفِرَةً حَتْمًا وَارْضَ

عَنْهُمَا

عنهما بشفاعتي لهما رضا عزما وبلغهما

بالكرامة مواطن السلامة اللهم

وان سبقت مغفرتك لى فشفعنى

فيهما حتى نجتمع برافتك فى دار كرامتك

ومحل مغفرتك ورحمتك انك ذو

الفضل العظيم والمن القديم وانت ارحم

الراحمين

اللهم ومن علي ببقاء ولدى وباصلاحهم

لى وبامتاعى بهم الهى امدد لى فى

اعمارهم وزد لى فى اجالهم ورب

لی صغیرهم وقوّ لی ضعیفهم واصح لی

ابدانهم وادیانهم واخلاقهم وعافهم

فی انفسهم وفی جوارحهم وفی کل ما

عنیت به من امرهم وادرر لی وعلی

یدی ارزاقهم واجعلهم ابرارا اتقیاء

بصراء سامعین مطیعین لک

ولاولیائک محبین مناصحین

ولجمیع اعدائک معاندین ومبغضین

امین اللهم اشدد بهم عضدی

واقم بهم اودی وکثّر بهم

عددی

عددی وزین بهم محضری واحی

بهم ذکری واکفنی بهم غیبتی فی

واعنی بهم علی حاجتی واجعلهم

لی محبین وعلی حدی بین مقبلین

مستقیمین لی مطیعین غیر

عاصین ولا عاقین ولا مخالفین

ولا خاطئین واعنی علی تربیتهم

وتادیبهم وبرهم وهب لی من لدنک

معهم اولادا ذکورا واجعل

ذلک خیرا لی واجعلهم

لِي عَوْنًا عَلَى مَا سَأَلْتُكَ وَأَعِذْنِي وَذُرِّيَّتِي

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا

وَأَمَرْتَنَا وَنَهَيْتَنَا وَرَغَّبْتَنَا فِي ثَوَابِ

مَا أَمَرْتَنَا وَرَهَّبْتَنَا عِقَابَهُ وَجَعَلْتَ لَنَا

یعنی از عقاب ترک لنز باز عقاب اجتناب کرده از لنز

عَدُوًّا يَكِيدُنَا سَلَّطْتَهُ مِنَّا عَلَى مَا لَمْ

تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ وَأَسْكَنْتَهُ صُدُورَنَا

یعنی او را بر چیزی چند ما مسلط داده که ما را بر آن چیزها او را مسلط نداده زیرا که او را در دل و سینه و در بدن و جمیع اعضای ما مسلط ساخته و ما را بر وی تسلط نداده

وَأَجْرَيْتَهُ مَجَارِيَ دِمَائِنَا لَا يَغْفُلُ

إِنْ غَفَلْنَا وَلَا يَنْسَى إِنْ نَسِينَا يُؤْمِنُنَا

عِقَابَكَ وَيُخَوِّفُنَا بِغَيْرِكَ إِنْ هَمَمْنَا

بِفَاحِشَةٍ شَجَّعَنَا عَلَيْهَا وَإِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ

صالح

صَالِحٍ ثَبَّطَنَا عَنْهُ يَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ

وَيَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ إِنْ وَعَدَنَا كَذَبَنَا

وَإِنْ مَنَّانَا أَخْلَفَنَا وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنَّا كَيْدَهُ

يُضِلَّنَا وَإِلَّا تَقِنَا خَبَالَهُ يَسْتَزِلَّنَا

اَللّٰهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ

حَتَّى تَحْبِسَهُ عَنَّا بِكَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ

فَنُصْبِحَ مِنْ كَيْدِهِ فِي الْمَعْصُومِينَ

بِكَ اَللّٰهُمَّ أَعْطِنِي كُلَّ سُؤْلِي وَاقْضِ

لِي حَوَائِجِي وَلَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَقَدْ

ضَمِنْتَهَا لِي وَلَا تَحْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ وَقَدْ

یعنی خواهشها پیش ما وا آورده

یعنی آنچه کرم معهود است ادعونی استجب لکم ه

أَمَرْتَنِي بِهِ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يُصْلِحُنِي

فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا

نَسِيتُ أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ أَوْ أَعْلَنْتُ

أَوْ أَسْرَرْتُ وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ

مِنَ الْمُصْلِحِينَ بِسُؤَالِي إِيَّاكَ الْمُنْجِحِينَ

بِالطَّلَبِ إِلَيْكَ غَيْرِ الْمَمْنُوعِينَ بِالتَّوَكُّلِ

عَلَيْكَ الْمُعَوَّدِينَ بِالتَّعَوُّذِ بِكَ الرَّابِحِينَ

فِي التِّجَارَةِ عَلَيْكَ الْمُجَارِينَ بِعِزِّكَ

الْمُوَسَّعِ عَلَيْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِكَ

الْوَاسِعِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ الْمُعَزِّينَ

مِنَ الذُّلِّ

ایهنا از باب تاکید با ثبات است

یعنی اصلاح حال خود میکنند با اصلاح دیگران

یعنی بکرده شده را چنین سبب سؤال کردن

من النظم

مِنَ الذُّلِّ بِكَ وَالمُجَارِينَ مِنَ الظُّلْمِ

بِعَدْلِكَ وَالمُعَافَيْنَ مِنَ البَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ

وَالمُغْنَيْنَ مِنَ الفَقْرِ بِغِنَاكَ

وَالمَعْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالزَّلَلِ

وَالخَطَاءِ بِتَقْوِيكَ وَالمُوَفَّقِينَ لِلْخَيْرِ

وَالرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ وَالمُحَالِ

بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ التَّارِكِينَ

لِكُلِّ مَعْصِيَتِكَ السَّاكِنِينَ فِي جِوَارِكَ

اَللّٰهُمَّ اَعْطِنَا جَمِيعَ ذٰلِكَ بِتَوْفِيقِكَ

وَرَحْمَتِكَ وَاَعِذْنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ

وَاعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَئَلْتُكَ لِنَفْسِي

وَلِوُلْدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ

اِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ عَفُوٌّ غَفُورٌ

رَؤُفٌ رَحِيمٌ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

و بعد از دعای حضرت ... از برای ... دوستان هرگاه

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَوَلَّنِي

فِي جِيرَانِي وَمَوَالِيَّ الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا

وَالْمُنَابِذِينَ لِاَعْدَائِنَا بِاَفْضَلِ وَلَايَتِكَ

ووفقني

وَوَفِّقْهُمْ لِاعْدَائِنَا بِافْضَلِ وَلِابْنَائِكَ لِاقَامَةِ

سُنَّتِكَ وَالْاَخْذِ بِمَحَاسِنِ اَدَبِكَ فِي

اِرْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ وَسَدِّ خَلَّتِهِمْ وَعِيَادَةِ

مَرِيضِهِمْ وَهِدَايَةِ مُسْتَرْشِدِهِمْ وَمُنَاصَحَةِ

مُسْتَشِيرِهِمْ وَتَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ وَكِتْمَانِ

اَسْرَارِهِمْ وَسَتْرِ عَوْرَاتِهِمْ وَنُصْرَةِ

مَظْلُومِهِمْ وَحُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ

وَالْعَوْدِ عَلَيْهِمْ بِالْجِدَةِ وَالْاِفْضَالِ

وَاِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ

وَاجْعَلْنِي اللّٰهُمَّ اَجْزِي بِالْاِحْسَانِ

مواساة با کسی کردن آنست که اورا با خود برابر سازد در چیزها

وبعضی گفته اند که ماعون چیزی جداست که در خانها باشد وعاریه دادن آنها متعارفست مانند دیگ وتبر وغیر آن وحاصل معنی بنا بر این آنست که در انفاق با ایشان مواساة کنم که بعضی از ایشان را با خود در آنها مساوی دارم

مُسِيئَهُمْ وَاُعْرِضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ

وَاَسْتَعْمِلُ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَّتِهِمْ وَاَتَوَلَّى

بِالْبِرِّ عَامَّتَهُمْ وَاَغُضُّ بَصَرِي عَنْهُمْ

عِفَّةً وَاُلِينُ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضُعاً وَاَرِقُّ

عَلَى اَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً وَاُسِرُّ لَهُمْ

بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً وَاُحِبُّ بَقَاءَ النِّعْمَةِ

عِنْدَهُمْ نُصْحاً وَاُوجِبُ لَهُمْ مَا اُوجِبُ

لِحَامَّتِي وَاَرْعَى لَهُمْ مَا اَرْعَى لِخَاصَّتِي

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي

مِثْلَ ذٰلِكَ مِنْهُمْ وَاجْعَلْ لِي اَوْفَى الْحُظُوظِ

فيما عندهم

بِمَا عِنْدَهُمْ وَزِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي

در آنچه نزد ایشانست و بیفزا ایشانرا بینایی در حق من

وَمَعْرِفَةً بِفَضْلِي حَتَّى يَسْعَدُوا بِي

و شناسایی بفضل من تا اینکه نیکبخت شوند بسبب من

وَأَسْعَدَ بِهِمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

و نیکبخت شوم من بسبب ایشان اجابت کن دعا مرا ای پروردگار عالمیان

وكان من دعائه عليه السلام لاهل الثغور

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَصِّنْ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او و استوار کن

ثُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ وَأَيِّدْ حُمَاتَهَا

سرحدهای مسلمانان بعزت خود و تقویت کن حمایت کنندگان آنها را

بِقُوَّتِكَ وَأَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَتِكَ

بقوت خود و کامل ساز عطاهای ایشانرا از عطیه خود

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَثِّرْ عِدَّتَهُمْ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او و بسیار کن عدد حامیان را

وَاشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ وَاحْرُسْ حَوْزَتَهُمْ

و تیز کن سلاحهای ایشانرا و نگاه دار اطراف ایشانرا و جمع کن جماعت ایشانرا

وَامْنَعْ حَوْمَتَهُمْ وَأَلِّفْ جَمْعَهُمْ وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ

و محکم گردان معظم ایشانرا و جمع کن جمع ایشانرا و تدبیر کن کار ایشانرا

مراد از نیکبخت شدن از حضرت نسبت با ایشان
با سعادت دنیویست با اعتبار آنکه بدرگاه اعتقاد
امامت با او داشته باشند خدمت میکنند و منافع
دنیوی بایشان میرسانند با سعادت اخروی آنچه
سبب ایشان راه هدایت خواهند علوم و دعا از برای
ایشان خواهد کرد و بیشتر بکار ایشان خواهد
خواهد رسید و شفاعت ایشان خواهد
کرد و اینها همه سبب فتح و درجات اخروی

ثغر رخنه گاهها و سرحدات
از بلاد اسلام که نزدیک باشد
به بلاد کفره

وَوَاتِرْ بَيْنَ مِيَرِهِمْ وَتَوَحَّدْ بِكِفَايَةِ
و پی در پی بساز آذوقهای ایشان را و تنها باش خود کارگذار
مُؤَنِهِمْ وَاعْضُدْهُمْ بِالنَّصْرِ وَأَعِنْهُمْ بِالصَّبْرِ
اینها را و یاری ده ایشان را به نصرت و مدد کن ایشان را به صبر
وَالْطُفْ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
و لطف کن با ایشان در مکر خداوندا رحمت بفرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَرِّفْهُمْ مَا يَجْهَلُونَ
محمد و آل او و بشناسان ایشان را آنچه جاهل‌اند بآن
وَعَلِّمْهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ وَبَصِّرْهُمْ
و تعلیم کن ایشان را آنچه نمیدانند و بنما به ایشان آنچه نمی‌بینند
مَا لَا يُبْصِرُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
آنچه نمی‌بینند خداوندا رحمت بفرست بر محمد
وَآلِهِ وَأَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ
یعنی نگاهبانان سرحدها را ۱۲
و آل او و فراموشی گردان ایشان را نزد رسیدن ایشان به دشمن یاد
دُنْيَاهُمُ الْخَدَّاعَةِ الْغَرُورِ وَامْحُ عَنْ
دنیاشان که بسیار مکر کننده فریب دهنده و محو ساز از
قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ وَاجْعَلِ
دلهاشان به خاطر آمدنهای فتنه کننده و بگردان
الْجَنَّةَ نَصْبَ أَعْيُنِهِمْ وَلَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ
بهشت را برابر چشمهای ایشان و ظاهر ساز از بهشت بهر دیدهای ایشان

یعنی مکر کن با دشمنان ایشان یا ایشان را بیاموز لطف طرق مکر با دشمنان ۱۲

این فقره از دیگر ... معنی و غرض تاکید است ۱۲

۱۱۱ اعلم

ما اعددت فیها من مساکن الخلد و منازل
آنچه مهیا ساخته در آن از مسکنها جاوید و منازلهای
الکرامة والحور الحسان والانهار
کرامت و حوریان نیکو رویان و نهرهای
المطردة بانواع الاشربة والاشجار
روان شده بانواع آشامیدنیها و درختهای
المتدلیة بصنوف الثمر حتی لا یهم
سر بزیر انداخته باصناف میوه‌ها تا اینکه قصد نکند
احد منهم بالادبار ولا یحدث نفسه
کسی از ایشان برگشتن و گفتگو نکند با خود
عن قرنه بفرار اللهم افلل بذلک
از کرینش از مانند خود خداوندا بشکن باین
عدوهم واقلم عنهم اظفارهم
دشمن ایشان را و بگیر از ایشان ناخنهای دشمنان را
وفرق بینهم وبین اسلحتهم واخلع
جدا کن میان دشمنان و میان سلاحهای ایشان و بکن
وثائق افئدتهم وباعد بینهم وبین
بندهای دل ایشان را و دور کن میانه دشمنان و میانه
ازودتهم وحیرهم فی سبلهم وضلهم
اذوقهای ایشان و متحیر ساز ایشان را در راهها و گمراه کردان ایشان را

عن وجهتهم واقطع عنهم المدد ٥

یعنی از آنجهتی که قصد آن دارند

از جهت ایشان و ببر از ایشان مدد را

وانقص منهم العدد واملأ افئدتهم

یعنی عدد ایشان را کم کن

وکم کن از ایشان عدد را و پر کن دلهای ایشان را

الرعب واقبض ایدیهم عن البسط ٥

یعنی مگذار که دست بگشایند

از ترس و فراهم آور دستهای ایشان را از گشادن

واخزم السنتهم عن النطق وشرد بهم

و جدا کن زبانها را از حرف زدن و پراکنده ساز بسبب ایشان

من خلفهم ونکل بهم من ورائهم

یعنی بسبب هلاک ایشان کشته و اسیر شوند جمعی که از پیاسر ایشان اند پراکنده شوند یا بر منده شوند

آنانرا که از پس ایشان اند و عبرت ساز بسبب ایشان هر که از عقب ایشانست

واقطع بخزیهم اطماع من بعدهم

یعنی بسبب گرفتاری و کشته شدن ایشان آنانکه از عقب اند بیدل و ترسان شوند

و قطع کن بسبب خواری ایشان طمعهای هر که بعد از ایشانست

اللهم عقم ارحام نسائهم ویبس

خداوندا از زائیدن باز دار رحمهای زنان ایشان را و خشک کن

اصلاب رجالهم واقطع نسل دوابهم

یعنی نطفه در وی همه خشک کن

پشتهای مردان ایشان را و قطع کن نسل چهارپایان

وانعامهم لا تأذن لسمائهم فی قطر

یعنی از آسمان چیزی نبارد و از زمین چیزی بروید

وانعام ایشان را و دستوری مده آسمان ایشان را در باریدن

ولا لارضهم فی نبات اللهم وقو بذلک

و نه زمین ایشان را در گیاهیدن خداوندا قوی دل کن بآن

محال